

تعارضات بین فردی در متاهلین ملزم به مراقبت از والد سالمند خود (یک مطالعه کیفی)^۱

احمد آقاجانی^۲، دکتر علی محمد نظری^۳، دکتر کیانوش زهراکار^۴

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۱۵

هدف: این پژوهش با هدف شناسایی تعارضات بین فردی در افراد متأهل ملزم به مراقبت از والد سالمند نیازمند مراقبت خود، انجام شد. **روش:** این پژوهش با روش کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی صورت گرفت. شرکت کنندگان در پژوهش افراد متأهل دارای فرزند اعم از زن و مرد ساکن شهر قم در سال ۹۵ بودند که مراقبت از والد سالمند خود را بر عهده داشتند. حجم نمونه ۱۳ نفر بود، شامل ۸ نفر زن و ۵ نفر مرد، که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. این حجم براساس اصل اشباع به دست آمد. جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته صورت گرفت و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش ۷ مرحله‌ای کلایزی انجام شد. این روش از خواندن متن مصاحبه تا معتبرسازی یافته‌ها را شامل می‌شود. **یافته‌ها:** تعارضات بین فردی که توسط شرکت کنندگان تجربه شده بودند در ۴ مقوله شامل: تعارضات همشیری (اختلاف نظر و ناسازگاری)، تعارضات زناشویی (محرومیت‌های زناشویی، ناسازگاری، انتشار حال بد، تعارضات سه جانبه)، تعارضات والد - فرزندی (کم توجهی به فرزند، ناسازگاری، تعارض سه جانبه) و تعارضات فرزند- والدی (درهم‌تنیدگی، ناسازگاری) کدگذاری و مقوله بندی شدند. **نتیجه‌گیری:** با توجه به یافته این پژوهش روشن شد که مراقبت از والد (ین)

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری می‌باشد.

۲. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه راهنمایی و مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۳. نویسنده مسئول، دانشیار دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهروود. سمنان، ایران.

amnazariy@yahoo.com

۴. دانشیار گروه مشاوره دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

سالمند توسط فرزندان بالغ متأهل برای فرزندان تعارضاتی را در حوزه‌های بین فردی ایجاد می‌کند اما براساس تطبیق یافته‌های کنونی با یافته‌های پژوهش‌های پیشین می‌توان گفت این موضوع یک امر مطلق نیست بلکه تحت تأثیر عوامل دیگری نظیر وضعیت اجتماعی - اقتصادی، وضعیت خانوادگی، دریافت توجه قبلی فرزند از والد و باورهای عرفی و انگیزشی فرزندان قرار دارد.

واژه‌های کلیدی: تعارضات بین فردی، متاهلین ملزم به مراقبت، والد سالمند

مقدمه

یکی از رویکردها به زندگی خانوادگی، رویکرد «دوره زندگی»^۱ است. این رویکرد اشاره به این دارد که چگونه مسیرهای رشد اعضای خانواده در طول زمان بطور متقابل وابسته و مرتبط هستند، بطوری که انتقال‌ها و تجربیات یک عضو خانواده می‌تواند پیامدهای تحولی برای دیگر اعضا داشته باشد (الدر، جانسون و کروسنو^۲، ۲۰۰۳) یکی از تکالیفی که افراد معمولاً در میانسالی با آن مواجه می‌شوند مراقبت از والد سالمند ناتوان خود است. سالمند ناتوان کسی است که حداقل در یکی از فعالیت‌های غذا خوردن، حمام کردن، لباس پوشیدن، توالت، جابجا شدن و حرکت در داخل خانه، خرید مواد غذایی، حمل و نقل، شستن لباس‌ها، کارهای خانه، مدیریت پول، تهیه غذا، استفاده از تلفن، مدیریت دارو و تحرک در فضای سبز نیاز به کمک دارد (ولف و کاسپر^۳، ۲۰۰۶).

جمعیت سالمند یک مسئله جهانی است (تائو و مک‌روی^۴، ۲۰۱۵)، پیش بینی می‌شود که ربع قرن دیگر ۱/۲ میلیارد (حدود ۱۴٪) از ساکنان زمین را افراد ۶۰ سال و بالاتر تشکیل دهند (میرزایی و شمس قهفرخی، ۱۳۸۶). در سال ۲۰۵۰ هفده میلیون جمعیت بالای ۸۵ سال در کشور آمریکا وجود خواهد داشت، این بدین معنی است که مراقبت از سالمندان در قرن ۲۱ یک مسئله روبه رشد خواهد بود (جینوویس^۵، ۱۹۹۷). در اروپا

1. life cycle.

2. Elder, G. H., Jr., Johnson, M. K., & Crosnoe, R.

3. Wolff, J. L & Kasper, J. D.

4. Tao, H. & Mcroy, S.

5. Genovese, R.G.

نسبت جمعیت سالمند (۶۵ سال و بالاتر) در حال حاضر ۱۷٪ است (الده و کارلسون^۱، ۲۰۱۰). براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ جمعیت ۶۰ سال و بالاتر ۹/۳٪ جمعیت ایران را تشکیل می‌دهد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). سازمان ملل متحد (۲۰۰۷) پیش بینی کرده در فاصله سال ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۵، ۱۰ سال به میانه سنی کشور ایران افزوده می‌شود. و براساس پیش بینی این سازمان، امید زندگی به ۷۸/۵ سال در سال ۱۴۲۹ می‌رسد (میرزایی و شمس قهفرخی، ۱۳۸۶).

این روند جمعیتی موجب افزایش روزافزون «نسبت وابستگی» می‌شود. این نسبت هرچه بالاتر باشد نشان از تجمع بیشتر جمعیت وابسته و غیر مولد در جامعه دارد. این شاخص برابر است با خارج قسمت تعداد جمعیت غیر واقع در سن فعالیت، یعنی، صفر تا ۱۴ ساله و ۶۵ ساله و بالاتر، بر جمعیت واقع در سن فعالیت، یعنی ۱۵ تا ۶۴ ساله (کاظمی پور، ۱۳۸۷).

از دیگر سوا ایران یک جامعه شرقی و مذهبی است، و در فرهنگ عامه و شریعت اسلام بر احسان به والدین توصیه‌های فراوان شده. از جمله در قرآن کریم ۶ بار مستقیماً اشاره شده است (اسراء ۲۳، نساء ۳۶، بقره ۸۳، انعام ۱۵۱، احقاف ۱۵، و ابراهیم ۶۲). و نیز ارزانی (۱۳۹۲) گزارش کرده که در قرآن هفت تکلیف برای فرزندان در قبال والدین آمده است که عبارتند از: احترام، احسان، اطاعت، ادب و رزی، مراقبت در کهنسالی، پشتیبانی و دعا برای آن‌ها. لذا در فرهنگ عمومی، هنوز پدیده‌ای نظیر خانه سالمندان، پذیرفته نشده است. بلکه مراقبت غیر رسمی همچنان شیوه غالب است. مراقبت غیر رسمی، مراقبت بدون هزینه‌ای است که به وسیله یک دوست، والد، بستگان، یا یک فرزند ارائه می‌شود (الده و کارلسون، ۲۰۱۰). و فرزندان بزرگسال در مقایسه با سایر بستگان بیشترین بار مراقبت را به دوش می‌کشند (کوی و هاوتون^۲، ۲۰۰۹).

1. Eldh, A. C., Carlsson, E.

2. Coe, N. B., & Houtven, C. H. V.

سیستم خانواده در طول حیات خود با سه نوع عوامل فشارزا (استرسور)^۱ مواجه می‌گردد، و کیفیت مقابله با این‌ها، سلامت یا عدم آن را برای خانواده به دنبال دارد. این استرسورها شامل استرسورهای عمودی، افقی و سیستم سطح می‌باشند (یانگ و لانگ، ۲۰۰۷، ترجمه نظری و همکاران، ۱۳۹۲، نظری، ۱۳۹۰، دالاس و دراپر، ۲۰۰۵، ترجمه اسمعیلی، ۱۳۹۰). استرسورهای عمودی، ادراکات درونی زوج هاست که در خانواده‌های اصلی کسب کرده‌اند، و به رابطه زوجی وارد می‌کنند. استرسورهای افقی، تغییرات قابل پیش بینی چرخه زندگی هستند، و عوامل استرس زای سیستم سطح، تأثیرات محیط پیرامون را شامل می‌شود، که تعهدات زوج در برابر خانواده‌های اصلی در ردیف این نوع استرسورها قرار می‌گیرد (یانگ و لانگ، ۲۰۰۷، ترجمه نظری و همکاران، ۱۳۹۲). حضور والدین سالخورده در خانواده وابستگی‌های بین نسلی را تشدید می‌کند. وقتی خانواده توسط عوامل درون یا بیرون سیستم تهدید می‌شود، سطح اضطراب در افراد بالا می‌رود و خانواده در گیرالگوهای تعاملی مشکل ساز می‌شود که از لحاظ هیجانی مخرب هستند (زهراکار و جعفری، ۱۳۹۴).

فشار مراقبت از والدین سالخورده می‌تواند سنگین باشد (برک^۲، ۲۰۰۱، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۶؛ الد و کاراسون، ۲۰۱۰). در بسیاری از موارد میانسالان مجبور می‌شوند از اوقات فراغت و یا ساعات کاری خود بکاهند، و رنج از دست دادن بخشی از درآمدشان را تحمل کنند، لذا ممکن است درگیری‌های خانوادگی تشدید شوند (گابرم، لاووی، بلین و اولازابال^۳، ۲۰۱۲). یافته‌های یک پژوهش نشان می‌دهد که یکی از راه‌هایی که فشار مراقبت از والد اثرات مضر بر سلامت روان شناختی دختران بزرگسال می‌گذارد، فشار ناسازگاری مراقبت از والد با دیگر نقش هاست (استفنز، تاونسند، مارتیر و درالی^۴، ۲۰۰۱). همچنین مشخص شده است که مراقبان برای شرکت در فعالیت‌های اوقات

1. Stressor.

2. Berk, L. E.

3. Guberman, G., Lavoie, J. P., Blein, L., & Olazabal, I.

4. Stephens, M. A. P., Townsend, A. L., Martire, L. M., & Druley, J. A.

فراغت و اجتماعی محدودتر هستند در مقایسه با کسانی که چنین نقشی ندارند (هلی، لی وین، براون و باتولوچی^۱، ۱۹۸۷). کنگ و مارکس^۲ (۲۰۱۴) نشان دادند که، تنش زناشویی تأثیر مراقبت از والدین را بر سلامت خود ارزیابانه، محدودیت عملکردی، علائم سلامت جسمانی، و بیماری‌های مزمن جسمانی تحت تأثیر قرار می‌دهد. امیرخانیان و ولف^۳ (۲۰۰۶) در پژوهشی دریافتند که، مراقبت از والدین سالخورده بر سلامت زنان و نه مردان آثار مضر را بر جا می‌گذارد، در عین حال مردان و زنان غیر مراقبی که والدینشان نیاز به مراقبت دارند، نسبت به مراقبان، علائم افسردگی بیشتری را نشان می‌دهند، این پژوهش نشان داد که فرایند استرس زناشویی در رابطه با مراقبت از والد پیچیده‌تر است.

بررسی در مورد پیامدهای انتقال به مراقبت غیر رسمی حاکی است، ورود به مراقبت همسری / فرزندی با کاهش کیفیت زندگی همراه است، در حالیکه ورود به مراقبت از دیگر بستگان با افزایش رضایت از زندگی و کاهش علائم افسردگی در ارتباط است. بر خلاف انتظار این محققان، دریافتند که، خروج از مراقبت هم در مراقبت همسری / فرزندی و هم غیر همسری / فرزندی با افزایش علائم افسردگی همراه بود (رافنسون، شانکار و استپتوی^۴، ۲۰۱۵). تبدیل شدن به یک مراقب برای والد در خانواده همراه است با خصومت بیشتر، خوشبختی کمتر، خودمختاری کمتر، و خود پذیری کمتر برای زنان مراقب در مقایسه با غیر مراقب، مردانی که از والدین در خانه مراقبت می‌کردند افزایش پریشانی روانی را همراه با کاهش تسلط شخصی، روابط مثبت کمتر با دیگران، و خودپذیری کمتر نشان دادند، مراقبت والد خارج از خانه، هم در مردان و هم در زنان همراه بود با افزایش قابل توجه افسردگی، مردان مراقب والدین در خارج از خانه همچنین خصومت بیشتر، خوشبختی کمتر، کنترل شخصی کمتر، و کنترل محیطی کمتری نسبت به غیر مراقبان نشان دادند، زنان مراقب والدین در خارج از خانه خوشبختی کمتر

1. Haley, W. E., Levine, E. G., Brown, S. L., & Bartolucci, A. A.

2. Kang, S. W., & Marks, N. F.

3. Amirkhanyan, A. A., & Wolf, D. A.

4. Rafnsson, S. B., Shankar, A. & Steptoe, A.

نشان دادند نسبت به غیر مراقبینی، اما، هدفمندی بیشتر در زندگی، رشد شخصی بیشتر و روابط مثبت تر با دیگران را گزارش کردند (مارکس و لامبرت^۱، ۱۹۹۹). در یک پژوهش چنین یافت شد که، غیر مراقبینی که علائم ناتوانی شدید والدین را گزارش کردند، علائم افسردگی را بیشتر نشان دادند. اما افسردگی در کسانی که رضایت زناشویی بالا داشتند وجود نداشت. و نیز کسانی که مراقبت های لازم را به والدین می دهند در صورت عدم نیاز ایشان به مراقبت های شدید، افسردگی نداشتند (امیرخانیان و ولف، ۲۰۰۳). همسرانی که تعهدات فرزندی بیشتری دارند از رضایت زناشویی کمتری برخوردارند، اما مردانی که تعهد فرزندی بیشتری دارند رضایت زناشویی بالاتری را تجربه می کنند، عدم تجانس در تعهد فرزندی در مردان با سطح پایین تری از رضایت زناشویی همراه است، اما در زنان چنین نیست (پولنیک، زاریت، بریدیت، بانگرت، سیدل و فینگرمن^۲، ۲۰۱۶). مسئولیت بیشتر برای کمک به والدین سالخورده ممکن است عملکرد مثبت خانواده را نشان دهد، اما این باورها ممکن است تأثیر مضرب سلامتی و رضایت زناشویی فرزندان میانسال داشته باشد (فینگرمن، پیلمر، سیلورستین و سویتز^۳، ۲۰۱۲).

روابط با والدین معمولاً با بسیاری از مسائل پیچیده زناشویی مانند تعیین مقدار مناسب زمان صرف شده در خانواده گسترده، تصمیم گیری در مورد دخالت در شرایط بهداشتی والدین و ایجاد مرز بین خانواده هسته ای و خانواده اصلی هریک از همسران در ارتباط است (پولنیک و همکاران، ۲۰۱۶). مطالعات پولنیک و همکاران^۴ (۲۰۱۷) نشان داد که، تأثیر مراقبت از والدین بر رضایت زناشویی تحت تأثیر تعدیل کننده باورهای عرفی در باره مراقبت و نیز باورهای انگیزشی زوجها است. همچنین سینواچزو دیوی^۵ (۲۰۰۷) دریافتند که زمینه های فرهنگی، اقتصادی - اجتماعی و خانوادگی مراقبان نیز در این زمینه

1. Marks, N. F. & Lambert, J. D.

2. Polenick, C. A., Zarit, S. H., Birditt, K. S., Bangerter, L. R., Seidel, A. J. & Fingerma, K. L.

3. Fingerma, K. L., Pillemer, K. A., Silverstein, M., & Sutor, J. J.

4. Polenick, C. A., Seidel, A. J., Birditt, K. S., Zarit, S. H., & Fingerma, K. L.

5. Szinovacz, M. E., & Davey, A.

اثرگذار هستند. آنها مهمترین عامل در زمینه خانوادگی را تعداد همشیرها عنوان کردند. مطالعه‌ای نشان داد که افزایش ناتوانی والدین با کاهش ارتباط مثبت فرزندان با والدین همراه است (کیم و همکاران^۱، ۲۰۱۶). در عین حال پژوهش دیگری آشکار کرد که، میانسالانی که ارتباط مثبت تری با والدینشان دارند، ارتباط مثبت بیشتری را نیز با فرزندان‌شان گزارش کردند (بریدیت، تای، فینگرمن و زاریت^۲، ۲۰۱۲). در پژوهشی افراد گزارش دادند که روابطشان با فرزندان مهم تر و منفی تر از روابط با والدینشان است (بریدیت، هارتنت، فینگرمن، زاریت، آنتونوچی^۳، ۲۰۱۵). تحقیقی تحت عنوان حمایت بین نسلی در زندگی روزمره حاکی است، فرزندان بالغ بطور روزانه حمایت بیشتری از نسل میانسال دریافت می‌کنند تا والدین. همین بررسی نشان داد، ارائه کمک به فرزندان بالغ با خلق مثبت همراه بود، در حالیکه ارائه حمایت به والدین با خلق منفی (فینگرمن، کیم، تنانت، بریدیت و زاریت^۴، ۲۰۱۶).

سیناچزو دیوی (۲۰۰۷) نگرانی در باره ادامه حیات شبکه‌های اجتماعی غیررسمی را برای آینده بالا بردند و اظهار می‌دارند که ارائه دهندگان مراقبت سلامتی باید شناسایی شده و هماهنگی و تعارضات بالقوه بین اعضای شبکه‌های مراقبت مد نظر قرار گیرد. هشیزومی^۵ (۲۰۱۰) معتقد است که، مراقبت بیشتر به عنوان تجربه زیسته یا درون فرهنگ مرجع فهمیده می‌شود. لذا، با توجه به روند رو به فزونی سالمندی جمعیت کشور، و فرهنگ بسته بودن موضوع مراقبت از والدین سالمند، و نیز اینکه مطالعات بومی بطور خاص در این موضوع صورت نگرفته، سؤال این تحقیق این است که، افراد متاهلی که ملزم به مراقبت از والد (ین) سالمند خود هستند چه نوع تعارضات بین فردی را تجربه می‌کنند؟

1. Kim, K.

2. Birditt, K. S., Tighe, L. A., Fingerman, K. L., & Zarit, S.H.

3. Birditt, K.S., Hartnett, C. S., Fingerman, K. L., Zarit, S., Antonucci, T. C.

4. Fingerman, K. L., Kim, K., Tennant, P. S., Birditt, K. S. & Zarit, S.H.

5. Hashizume, Y.

روش پژوهش

این مطالعه به روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی صورت گرفت. جامعه این تحقیق شامل زنان و مردان متأهل (نسل ۲) ساکن شهر قم در سال ۱۳۹۵ می شود، که حداقل یکی از والدینشان (نسل ۱) سالمند ۶۰ سال و بالاتر است، و به مراقبت آن ها نیاز دارد، ایشان از والد (ین) سالمند مراقبت می کنند، و خودشان نیز دارای فرزند (نسل ۳) هستند. اعم از اینکه مراقبت در خانه والدین (نسل ۱) یا فرزندان (نسل ۲) صورت گیرد. برای نمونه گیری از روش غیر تصادفی هدفمند استفاده شد. به این صورت که با مراجعه به مراکزی که افراد مورد نظربه طور معمول مراجعه داشتند، نظیر بیمارستان ها، مراکز مشاوره، موسسات مددکاری، و آسایشگاه ها، موارد شناسایی می شدند، سپس معرفی و برقرای ارتباط صورت می گرفت، با معرفی طرح پژوهشی به ایشان، شرکت در طرح به آن ها پیشنهاد می شد و جنبه های اخلاقی موضوع از جمله محرمانه بودن اظهارات، عدم افشای هویت ایشان، عدم مداخله در امور شخصی و خانوادگی آن ها و ... مورد تاکید قرار می گرفت. چنانچه هریک از آن ها برای شرکت در طرح داوطلب می شد، قرار مصاحبه در زمان و مکان مناسب و مورد توافق طرفین گذاشته می شد. حجم نمونه براساس اصل اشباع نهایتاً به ۱۳ نفر رسید. در واقع با ۱۱ شرکت کننده اشباع حاصل شد، و برای اطمینان از اینکه داده ی جدیدی وجود ندارد ۲ شرکت کننده دیگر اضافه شدند.

برای جمع آوری داده های پژوهش از «مصاحبه نیمه ساختاریافته» استفاده شد. طول مدت مصاحبه ها از ۴۰ تا ۶۰ دقیقه متفاوت بود. مصاحبه در منزل شرکت کننده و یا در مرکز مشاوره صورت می گرفت.

پس از انجام هر مصاحبه، فایل صوتی به طور کامل گوش داده شد و سپس نسخه برداری صورت گرفت. و بعد از آن متن با استفاده از روش هفت مرحله ای کلایزی^۱

1. Colaizzi.

(محمدپور، ۱۳۹۲) مورد تحلیل قرار گرفت. مراحل عبارتند از: ۱- تمام متن خوانده شد؛ ۲- عبارت‌ها یا کلمات مهم استخراج و داخل یک جدول گذاشته شدند؛ ۳- به هریک از عبارات یا کلمات معنایی داده شد، یا به عبارتی برچسب زده شد (فرمول بندی معانی)؛ ۴- معانی داخل یک جدول دیگر در قالب خوشه‌های مفهومی قرار گرفتند؛ ۵- مفاهیم مشابه در جدول سوم دسته‌بندی شده و زیرمقوله‌ها ایجاد شدند؛ ۶- از به هم پیوستن زیرمقوله‌ها، مقوله‌های کلی شکل گرفتند؛ و ۷- برای معتبرسازی پس از کدگذاری به شرکت‌کننده در مصاحبه مربوطه مراجعه مجدد شد و در یک گفتگو معانی از دیدگاه او سنجیده شدند.

یافته‌ها

شرکت‌کنندگان پژوهش از ۱۳ نفر شامل ۸ زن و ۵ مرد تشکیل شده‌اند، دامنه سنی ایشان از ۲۳ تا ۶۵ سال گسترده بود. از نظر میزان تحصیلات، ۲ نفر فوق لیسانس، ۴ نفر لیسانس، ۳ نفر دیپلم، ۲ نفر ابتدایی، ۱ نفر دانشجو، و ۱ نفر طلبه بودند. شغل شرکت‌کنندگان ۱ نفر مدرس دانشگاه، ۱ نفر وکیل، ۳ نفر معلم، ۱ نفر پرستار، ۵ نفر خانه دار، ۱ نفر بیکار و ۱ نفر طلبه بود. طول مدت نگهداری از والد سالمند از ۲ تا ۱۳ سال متفاوت بود. ۳ نفر از شرکت‌کنندگان از پدر، ۸ نفر از مادر، ۱ نفر از پدر و مادر، و ۱ نفر از مادر همسر نگهداری می‌کردند. ۱۰ نفر از مراقبان در مکان مستقری از والد سالمند زندگی می‌کردند و ۳ نفر با والد سالمند خود در یک خانه ساکن بودند. از نظر تامین مالی، ۸ نفر از والدین دریافت‌کننده مراقبت، وابسته به فرزند بودند، ۳ نفر مستمری بگیر و ۲ نفر تحت پوشش بهزیستی بودند.

تعارضات بین فردی که شرکت‌کنندگان تجربه کرده‌اند و در این پژوهش شناسایی شدند. ۴ مقوله، ۱۱ زیرمقوله و ۳۵ مفهوم می‌باشد که در جدول آمده است.

جدول: تعارضات بین فردی

مقوله ها	زیر مقوله ها	مفاهیم
تعارضات همشیری	ناسازگاری	عدم همکاری / برخورد بد متقابل / سربار بودن
	اختلاف نظر	تبیین مشکلات / نحوه نگهداری
تعارضات زناشویی	محرومیت های زناشویی	محرومیت از اوقات فراغت / محرومیت از خلوت زناشویی
	ناسازگاری	اعتراض همسر / عدم درک / قهر / جرو بحث / عدم همکاری / اختلاف نظر
	انتشار حال بد	خلق همسر / رابطه زوجی
	تعارضات سه جانبه	مراقب-همسر-والد / مراقب-همسر-خانواده اصلی / مراقب-همسر-همشیر / مراقب-همسر-همسرهمشیر
	کم توجهی به فرزند	کم توجهی در اوقات فراغت / کم توجهی در مراقبت
تعارضات والد (۲) - فرزندی (۳)	ناسازگاری	اعتراض فرزند / انتظارات مشابه مراقب از فرزند خود / اقناع فرزند / سرکوب فرزند / جبران
	تعارض سه جانبه	مراقب-فرزند-والد
تعارضات فرزند (۲) - والدی (۱)	درهم تنیدگی متقابل	وابستگی فرزند به والد / وابستگی والد به فرزند
	ناسازگاری	بدزبانی والد / بدرفتاری والد / مقاومت در برابر مراقبت / عدم تفاهم در تصمیم گیری ها / پرتوقعی والد / مشاجره

توضیح: ارقام داخل پرانتز نشانگر نسل ها هستند. منظور از عدد (۱) نسل ۱ یعنی پدر و مادر بزرگ، منظور از عدد (۲) نسل ۲ یعنی نسل مراقب (میانی) و منظور از عدد (۳) نسل ۳ یعنی فرزندان نسل ۲ می باشد.

الف- تعارضات همشیری

قبل از ارائه یافته ها ذکر این نکته لازم است که هنگام نقل قول از هر شرکت کننده

داخل پُرانتز حرف «ش» و شماره مربوطه به عنوان نماد می‌آید. منظور از تعارضات همشیری آن دسته از مشکلاتی است که بین همشیرها به واسطه مراقبت از والد سالمند ایجاد می‌شود. (ش. ۱۰) می‌گوید: «نگهداری از پدرمون به رابطه خواهرانمونم لطمه زده». این مقوله از دو زیرمقوله «اختلاف نظر» و «ناسازگاری» شکل یافته است.

۱-الف- اختلاف نظر

این زیرمقوله از اختلاف نظر در «تبیین مشکلات» و نیز اختلاف در «نحوه نگهداری» انتزاع شده است. (ش. ۱۰) می‌گوید: «مثلا خواهر من توی بیمارستان کار می‌کنه، از اینکه بدن بابام زخم بشه ناراحت میشه و مقصر منو حساب می‌کنه که چرا مراقبت نکردی. در حالیکه شاید من آنقدر آگاهیم زیاد نباشه که بدونم باید چکار کنم، میشه بیاد اینوبه من یاد بده».

زمینه دیگر اختلاف نظر در «نحوه نگهداری» است، هرکسی با توجه به عقاید و شرایط خود، نظری در مورد نحوه نگهداری از والد دارد و در بسیاری اوقات این نظرات مختلف و مخالف هم است و منجر به بروز تعارضات بین همشیرها می‌گردد. شاهد این مدعا اظهارات (ش. ۵) است که می‌گوید: «من به خواهرم گفتم اگه چیزه ببریمش سرای سالمندان، می‌ریم سرمی‌زنیم، خواهرم راضی نمی‌شد، خواهرم با اینکه زبانش تیزه خیلی مهربونه، گفت نه گناه داره دلش می‌گیره». همچنین (ش. ۷) چنین عنوان می‌کند: «ولی در کل من خودم میگم تا اونجا که می‌دونیم پدر و مادر وظیفه پسره نگهداری کنه ولی اینا کلاً زیر بار نمیرن، کلاًرها کردن، فقط همین یه خوابیدنه یا یک زمانی مامانم بگه فلان کار رو برام بکنید». و نیز (ش. ۸) تجربه خود را چنین توصیف می‌کند: «من صحبت کردم ولی داداشام قبول نکردن که نوبتی بشه، گفتن ما هر وقت رسیدیم سرمی‌زنیم ولی تو میتونی بیای ۱۰ روز پیششون بمونی... باید مصمم تر بشم تا خانواده دور هم جمع بشن تصمیم اصولی گرفته بشه و تقسیم بندی صورت بگیره، حالا نمیشه چون برادر ۶۰ ساله

ام میگه، داداش ۳۰ ساله اومده و میخواد به ما درس یاد بده».

۲- الف- ناسازگاری

منظور از ناسازگاری، اختلافاتی است که در جریان مراقبت در رفتارهای همشیرها بروز می‌کند و شکل عملی دارند. این زیر مقوله، از مفاهیم «عدم همکاری»، «برخورد بد متقابل» و «سربار بودن» همشیراستنباط شده است.

با توجه به اینکه همشیرها هریک شرایط خاصی را در زندگی شخصی و خانوادگی خود دارند، نمی‌توانند مثل هم به مراقبت از والد سالمند خود پردازند و اغلب موارد یک همکاری توأم با هماهنگی و سازگارانۀ شکل نمی‌گیرد و این «عدم همکاری» بین همشیرها مشکلاتی ایجاد می‌کند. در این زمینه (ش ۱۰) چنین اظهار می‌دارد: «دیگران همکاری نمی‌کنند و یا دخالت‌هایی می‌کنند که باعث ناراحتی میشه، باعث ناراحتی کسی که داره نگهداری می‌کنه، خانواده، خواهر، برادر همکاری نمی‌کنن». و نیز (ش ۳۰) شکوه می‌کند که: «میگم حداقل سالی یک ماه آنها نگه دارن، ۴ تا خواهر و برادر داره من هم استراحت کنم، امسال واقعا بریدم». (ش ۶۰) می‌گوید: «دو تا برادر و یک خواهر دارم در شهر دیگه دنبال زندگی خودشون هستن و من فقط از پدرم نگه داری می‌کنم».

«برخورد بد متقابل» از جمله مصادیق دیگر ناسازگاری بین همشیرهاست. در تایید این موضوع (ش ۱۰) می‌گوید: «دیگران میگن تو این کار رو اینطور کردی و رفتارت درست نبوده و باید اینکار را می‌کردی و پر خاشگری می‌کنند. وقتی با دعوا پیش میره و یه حرف‌هایی زده میشه، دل من می‌شکنه. از یه طرف زحمت می‌کشم و از یه طرف دیگه اگه نقصی باشه با پر خاشگری و دعوا گفته میشه». و (ش ۸۰) در این مورد مطرح می‌کند که: «درک نمی‌کنن میگن تو چکار داری مگه، برید با خانواده پیششون بمونید». و (ش ۱۲۰) می‌گوید: «اگه مادر تلفن رو جواب نده همه از هرجا به من زنگ می‌زنن که مادر کجاست؟ یعنی انگار من شدم یه مرجع که همه به من رجوع می‌کنند».

«سربار بودن» یعنی در حین اینکه والد سالمند خودش ناتوان است برخی از فرزندان به نوعی باری بردوش ایشانند و این سایر همشیره‌ها را می‌رنجانند. (ش. ۸۰) چنین می‌گوید: «یکی از برادرانم چون مسیرش هست، ناهارها خونه نمیره و میره پیش مادرم، کمک که نیست که هیچ بلکه خودش بار میشه، مامانم ناهار آماده می‌کنه با اون پای لنگ و اعصابش».

ب- تعارضات زناشویی

منظور از تعارضات زناشویی آن دسته از تعارضات و مشکلاتی است که به واسطه مراقبت یکی از همسران از والدین سالمند خود با همسرش پیدا می‌کند. این مقوله از زیر مقوله‌های «محرومیت‌های زناشویی»، «تعاملات منفی»، «انتشار حال بد» و «تعارضات سه جانبه» تشکیل شده است.

۱-ب- محرومیت‌های زناشویی

همسران در جریان مراقبت از والد سالمند خود از برخی فرصت‌ها برای بهره‌مندی از رابطه زوجی خویش محروم می‌شوند. محرومیت‌های زناشویی براساس تجارب زیسته شرکت‌کنندگان شامل دو زمینه می‌شود: «اوقات فراغت» و «خلوت زناشویی». افرادی که درگیر مراقبت از والد سالمند خود می‌باشند در اغلب اوقات فرصت کافی برای اینکه اوقات فراغتی را با همسر خود بگذرانند ندارند. (ش. ۲۰) تجربه خود را در این مورد این‌گونه بیان می‌کند: «یک وقت مسافرت می‌ریم و می‌خواهیم او را با خود ببریم برامون سخته» و (ش. ۵۰) می‌گوید: «حتی مهمانی نمی‌رفتم» و (ش. ۷۰) چنین مطرح می‌کند که: «این ۷ سال کلاً با من بود. نه مسافرتی می‌تونستم برم نه جایی، بیشتر جاهایی که شوهرم می‌گفت، می‌گفتم نه حالا نریم، شوهرم ناراحت میشد و خودش می‌رفت و چیزی هم نمی‌گفت که مثلاً داد و بیداد کنه، چیزی به مادرم بگه، فقط خودمو ناراحت می‌کرد».

مورد دیگر محرومیت های زناشویی، محرومیت از «خلوت زناشویی» است. این مورد زمانی رخ می دهد که والد سالمند با زوج مراقب، در یک خانه سکونت دارند و مستقل نیستند. (ش. ۷) در این مورد چنین اظهار می دارد: «شوهرم دوست داشت لباس راحت بپوشه، می گفتم نپوش بی احترامی میشه، خودم میخواستم هر جور بگردم به خاطر مامانم باید پوشیده تر بودم، شوهرم که می اومد خونه انگار یه نامحرم می اومد».

۲-ب- ناسازگاری

منظور از ناسازگاری ها، کنش و واکنش های ناخوشایندی است که به واسطه مراقبت از والد سالمند بین زن و شوهر به وجود می آید. این زیر مقوله از مفاهیم «اعتراض همسر»، «عدم درک همسر»، «قهر»، «جروبحث»، «فرافکنی مشکلات»، «عدم همکاری» و «اختلاف نظر» انتزاع شده است.

وقتی یکی از همسران وقت و هم و غم خود را صرف مراقبت از والد سالمندش می کند «اعتراض همسر» برانگیخته می شود. گویا او وضع موجود را بر نمی تابد و به شرایط گوناگون و با شیوه های مختلف اعتراض کرده و عدم رضایت خود را نشان می دهد. (ش. ۳) چنین عنوان می کند: «غرمیزم سرشوهرم ودق و دلیمو سرشوهرم خالی می کنم». (ش. ۵) در این زمینه چنین اظهار می کند که: «مادرم زنگ می زد به خواهرم درک نمی کرد، شوهر خواهرم به این زنگ زدن ها حساس شده بود.. واقعا خواهرم داشت نابود میشد، شوهرش معترض بود». (ش. ۹) تجربه اش را چنین توصیف می کند: «شوهرم می گه خوب امروز اونجا (خونه مادرت) بودی دیگه چرا اعصابت خرده؟ می گم خب اونجا بودم ولی مادرم نمی تونست حرف بزنه و از این اعصابم خرده، اونم یکی دوروز تحمل می کنه ولی بعد اعتراض میکنه... بعد از ظهر که میرم خونه می گه به من رسیدگی نکردی به کار خونه رسیدگی نکردی، شکایت میکنه از اینکه وقت کافی برای زندگی خودمون نمیذارم».

«عدم درک» شرایط همسری که مراقبت از والد سالمند خود را به عهده دارد توسط همسر دیگری دیگر از جلوه‌های ناسازگاری است. قاعدتاً همسری که درگیر مراقبت از والد است از همسر خود چنین انتظار دارد که شرایطش توسط او درک شود. (ش. ۹۰) از تجربه اش چنین می‌گوید: «شاید گریه کنم جلوی شوهرم ولی او متوجه نمیشه و نمیدونه این حال من از کجا نشأت می‌گیره، درکم نمی‌کنه، مثلاً مادر شوهرم رو می‌بره خونه دخترش و تا ساعت ۱۲ شب اونجا می‌مونه حالا اینکه من توی خونه تنها هستم و وقتی بهش احتیاج دارم، نیست. وقتی هم چیزی بهش میگم بهم میگه که مگه تومیری خونه مادرت من چیزی میگم؟ بهش میگم تونباید ماها را با هم مقایسه کنی ما شرایطمون با هم مختلفه و باید رفتارهامون هم مختلف باشه، متاسفانه درک نمی‌کنه».

از جمله ناسازگاری‌های دیگر که بین زوجها رخ می‌دهد «قهر» است. (ش. ۸۰) می‌گوید: «اگر زیاد برم خونه والدینم همسرم غمگین میشه، میگه منو کمتر دوست داری، غمگین میشه و بعد قهر میکنه». (ش. ۹۰) اظهار می‌دارد که: «حرفاش خیلی منو آتیش می‌زنه، خوب من امروز باهاش بحث می‌کنم چون اعصابم خرده تا یک هفته باهاش قهر می‌کنم، چون میگم این شوهر به من سخت می‌گیره که من دیگه نرم به مادرم رسیدگی کنم. یک هفته باهاش قهر می‌کنم شاید هم دو هفته».

«جرو بحث» بین زوجها، در اثر مشکلاتی که ناشی از مراقبت والد سالمند است، امر متداولی است. منظور، درگیری‌های کلامی و مجادله‌هایی است که بین زوجها درمی‌گیرد. (ش. ۵۰) در این مورد می‌گوید: «ولی خوب درکل سخته بخواهی در یک جا زندگی کنی، در حالی که متأهل هستی بتونی دوطرف را داشته باشی، اونم همسر چون بیشتر جاها که باهاش نمی‌رفتم چیز می‌کرد، خوب مهمانی بود، مسافرت بود، دورهمی می‌خواست منم برم، نمی‌رفتم. می‌گفت خوب چرا اونا نمیان؟ سر این چیزها به موقع بحث می‌کردیم». (ش. ۹۰) چنین اظهار می‌دارد: «همش توی این فکرم میگم چرا درکم نمی‌کنی؟ من توی این شرایط نمیتونم، به همین خاطر صحبتامون به دعا و جرو بحث میکشه» (ش. ۱۲۰) تجربه خود را چنین توصیف می‌کند: «ایشان (همسر) هم همینجور

باید در هفته یا در بعضی از روزها وقتش را بذاره برای پدرش که ایشون شب هم گاهی میره اونجا میخوابه و این یه قدری تنش بین ما ایجاد کرده. زمانی که من پام شکسته بود و به هر حال روزی بود که ایشون میخواست بره اونجا بمونه این درگیری لفظی که من واجب ترم یا اون ؟».

قاعدتاً وقتی که یکی از همسران با مشکلی مواجه می شود از همسرش انتظار همکاری دارد تا بتواند بر مشکلاتش غلبه کند، مراقبت از والد سالمند تکلیفی است که برعهده یکی از همسران قرار می گیرد و در این جریان وظیفه ای متوجه همسر دیگر نیست. اما در فضای زناشویی انتظار همکاری وجود دارد، اما «عدم همکاری» از طرف همسریکی از تجاربی است که شرکت کنندگان گزارش کرده اند، شاهد این مدعا اظهارات (ش. ۹) است که می گوید: «شوهرم پشتیبانی می کنه ولی نه در حدی که من انتظار دارم، من احساس می کنم نه خیلی حالا شاید پشتم نیست میگم هرچی مشکل پیش بیاد، نصفش به همسرم برمیگرده».

«اختلاف نظر در مورد نحوه نگهداری» از تعارضات متداول است. در جریان نگهداری از والد سالمند معمولاً درباره اینکه در خانه نگهداری کنند یا خانه سالمندان، در خانه خود زوجها یا خانه والدین، چه کسی نگهداری کند و امثال آنها اختلاف نظر بین زوجها به وجود می آید. (ش. ۵) در این مورد می گوید: «شوهرم می گوید ما باید خدمت کنیم، سربزنیم ولی زندگیمان را نباید صرفشان کنیم چون ما هم حق زندگی داریم، میگه خدا نگفته خودتو فدای پدر و مادرت کن. باید زندگی کنی. میگه نباید اینجوری زندگی رو بخوای بذاری چون فقط یه بار زندگی می کنیم. میگه مادرتو همه جوره باید کمکش کنی ولی نه اینکه زندگیتو بذاری روی اون. میگه وقتی این فرد پیرپیش ما اذیت میشه، من یه غرمیزنم، بچه یه غرمیزنه، تو سرای سالمندان همه هم سن هستن بهشون هم می رسن چرا باید اینجوری اذیت بشه ؟».

۳-ب- انتشار حال بد

طبق تجربه زیسته شرکت کنندگان مراقبت از والد سالمند توسط یکی از همسران در دو حوزه از زندگی زوجی اثر منفی می‌گذارد. یکی «خلق همسر» و دیگری «رابطه زوجی». از آنجایی که همسران رابطه عاطفی نزدیکی دارند هرگونه مشکل در زندگی هریک از آنها، طبعاً روی خلق دیگری اثر می‌گذارد. در جریان مراقبت یکی از همسران از والد سالمند خود، از طرفی همسر مراقبت کننده با فشارهای روانی و در نتیجه مشکلات خلقی مواجه است، و از طرف دیگر، به علت درگیری در مراقبت تا حدودی از توجه به همسر خود و زندگی زناشویی غافل می‌شود، و در نتیجه خلق همسر نیز متأثر می‌گردد. در این زمینه (ش. ۸) می‌گوید: «اگر زیاد بروم خانه والدینم، همسرم غمگین می‌شود». و (ش. ۹) چنین اظهار می‌دارد: «بعضی وقت‌ها توی فکرم اصلاً متوجه هم نیستم. ایشون (همسر) هم تحت تأثیر من قرار می‌گیره. من نمیتونم، دچار اختلال میشم توی کارام، میگم من اینجا میشینم، میخوابم و نمیدونم مامانم اونجا چکار میکنه، همچنین حس‌های تخریب‌گری توی من وجود داره، این حس به همسر من منتقل میشه، اونم از نظر روحی و رفتاری دچار آسیب میشه».

همچنین «رابطه زوجی» در فرایند مراقبت آسیب می‌بیند. (ش. ۹) چنین عنوان می‌کند که: «اعصابم از خونه مامانم خرده، میگم چرا چنین مشکلی باید برای ما پیش بیاد، اینها توی رفتارم با همسر تأثیر می‌ذاره و به مشکل برمی‌خوریم با همسر... ناراحتی خیلی تورفتارهامون اختلال ایجاد کرده، چه توی رفتار خودم و چه رفتار همسر من منتقل می‌کنم. وقتی یه حرفی می‌زنه برخورد بدی باهاش دارم چون عصبی شدم، پرخاشگری می‌کنم، عصبانیم دیگه، وقتی که درونم ناراحت باشه نمیتونم عکس‌العمل مثبتی نشون بدم».

۴-ب- تعارضات سه جانبه

منظور از تعارضات سه جانبه، موقعیت‌هایی است که در آنها بین سه رأس تعارض

وجود دارد که یک رأس مراقب، یک رأس همسر و یک رأس شخص یا نهاد دیگری است. از تجارب زیسته شرکت کنندگان ۴ حالت از این نوع تعارض استنباط شده است: تعارض «مراقب- همسر- والد»؛ تعارض «مراقب- همسر- خانواده اصلی»؛ تعارض «مراقب- همسر- همشیر»؛ تعارض «مراقب- همسر- همسر همشیر».

در تعارض «مراقب- همسر- والد»، اختلافی بین والد و همسر وجود دارد که مراقب نیز به این اختلاف کشیده می شود، به عنوان مثال (ش. ۴۰) چنین اظهار می دارد که: «من احساس می کنم، مادرم با همسر مسئله دارد، کلاً مادرم با همسر خیلی راحت نیست، چند بار خواسته در مورد همسر من چیزی بگویم، من شدیداً واکنش نشان دادم دیگه نگفته. وقتی خواسته عیب و ایرادی از همسر بگیرم، با واکنش من مواجه شده، جای حرف نداشتم». همچنین (ش. ۷۰) می گوید: «مثلاً به موقع شوهرم بیشتر می خوابید (مادرم) می گفت چرا می خوابی؟ دیرتر می رفت سرکار، می گفت چرا دیر میره سرکار؟ اینجوری بود دیگه من باید همش جواب اینها رو می دادم».

در تعارض «مراقب- همسر- خانواده اصلی» اختلاف بین همسر و خانواده اصلی مراقب وجود دارد و مراقب به این واسطه تحت فشار است. در این مورد (ش. ۳۰) می گوید: «من از شوهرم ناراحت نیستم، از خانواده اش ناراحتم، میگم خانوادت بی انصاف و درک نمی کنن». و نیز (ش. ۸۰) چنین عنوان می کند: «خانم من اصالتاً اهل ترکیه است، اختلاف فرهنگی زیاده، میگه من توی جمع خودم دست و پایم را گم می کنم چه برسه بخوام چادر هم بگیرم و با چادر هم کار بکنم، سعی میکنم بین اینها نباشم، چون خانم خیلی اذیت میشه چون فرهنگش خیلی فاصله دارد».

در تعارض «مراقب- همسر- همشیر» بین همسر و همشیر مراقب، اختلاف وجود دارد و مراقب نیز درگیر این تعارض می شود. تجربه (ش. ۷۰) حاکی است: «شوهرم می گه چرا اون یکی از خواهرات نمیان؟ چرا اون داداشت نمیداد؟ از این جور چیزها و من در این ۷ سال خیلی سختی کشیدم». و نیز (ش. ۸۰) چنین بیان می کند: «خانم من با پدر و مادرم

راحت‌ه ولی با خواهر و برادر ام راحت نیست، خانم به رو میاره، میگه کم بریم خونه خواهرت و ای کاش از زندگیمون خبر نداشته باشه، خواهرام یه خرده بند شوهراشون هستند و چند بار به خانم گفتم اونا دختر هستن بند شوهرشونن. خانم می‌گفت مجبور نیستند انقدر بند شوهرشون باشند».

تعارض «مراقب- همسر- همسر همشیر» زمانی به وجود می‌آید که بین همسر و همسر همشیر مراقب مشکلی وجود دارد و مراقب از دو طرف تحت فشار قرار می‌گیرد. تجربه زیسته (ش. ۵) در این زمینه چنین است: «چون شوهر من یه کم روحیه حساسی داره و زود رنجه و شوهر خواهرم یه کم توقعی هست، یه وقت یه کم با هم کنتاکت دارند ولی من و خواهرم نمیذاریم رابطمون خراب بشه». و تجربه (ش. ۸) حاکی است: «اگه زن داداش هام باشن نمیرم توی آشپزخونه قاطی خانم‌ها، چون خانم راضی نیست».

ج- تعارضات والد (۲) - فرزندی (۳)

نسل میانسال در حالی با تکلیف مراقبت از والدین سالمند خود مواجه می‌گردد که معمولاً خود دارای فرزند است و نقش والد را نیز به عهده دارد، و در واقع همزمان تحت فشارهای نیازهای والدین خود و نیز فرزندان خویش قرار می‌گیرد و لذا با فرزندان خود دچار تعارضاتی می‌گردد. این مقوله شامل زیرمقوله‌های «کم توجهی به فرزند»، «تعاملات»، «تداخل با مشکلات فرزند جوان» و «تعارض سه جانبه» می‌شود.

۱- ج- کم توجهی به فرزند

براساس تجارب شرکت کنندگان کم توجهی به فرزند در دو حوزه رخ می‌دهد که این دو حوزه تحت دو عنوان «اوقات فراغت» و «مراقبت» مفهوم سازی شده‌اند، از آنجایی که مراقبت از والد سالمند معمولاً وقت زیادی از مراقب می‌گیرد، هم به علت کارهایی که باید انجام شود و هم به علت وضعیت خاص سالمندان که قدرت تحرک ندارند و یا کم دارند. مراقبان در بسیاری از اوقات از توجه کافی به «اوقات فراغت»

فرزندان نظیر مسافرت، تفریح و مهمانی باز می‌مانند. (ش. ۲) می‌گوید: «بعضی وقت‌ها که مادرم خیلی حوصله اش سر میره میگه مثلاً بچه‌ها تلویزیون رو خاموش کنن، میگم بالاخره بچه‌ها میخوان تلویزیون نگاه کنند». شرکت کننده (ش. ۷) نیز چنین اظهار می‌دارد: «بچه بزرگه یه موقع جایی نمی‌رفتیم، هی غرمیزد که مامان ما همش باید توی خونه بمونیم، درک نمی‌کرد که این مادر منه دخترم که دوست داشت توی مهمونی‌ها مثلاً با هم باشیم یک موقع ناراحتی‌هایی می‌کرد». و همچنین (ش. ۱۲) این‌گونه عنوان می‌کند: «حتی من در مسافرت هام اگر مادرم رو ببرم، احساس عذاب وجدان دارم یا مسافرت را مجبورم کنسل کنم که با اعتراض و ناراحتی فرزندم رو به رو میشم و یا اینکه باید در مسافرت‌ها مادرم رو ببرم که این خودش باز دوباره به خاطر اینکه ایشون سنی ازش گذشته و بهر حال توی مسافرت‌ها شاید خسته بشه یا شاید توانایی اون راهی را که می‌رویم نداشته باشه».

زمینه دیگری که فرزندان مورد کم توجهی قرار می‌گیرند زمینه‌هایی است که نیاز به «مراقبت» دارند. وقت و انرژی مراقبان بین والد سالمند و فرزند نیازمند مراقبت، تقسیم می‌شود و طبعاً آنچنان که باید فرزند مورد مراقبت قرار نمی‌گیرد. مثلاً (ش. ۱۰) این‌گونه مطرح می‌کند: «الان من خودم برنامه ریزی کردم که شیفته مخالف دخترم باشه که وقتی من مدرسه هستم دخترم توی خونه باشه و برعکس زمانی که اون مدرسه هست من میتونم برم خونه پدرم. همین شیفته مخالف باعث شده من و دخترم از هم جدا باشیم». (ش. ۵) چنین می‌گوید: «پسر خواهرم میخواست بره دبیرستان و اون موقع امتحان نمونه دولتی داشت و خواهرم می‌گفت اصلاً نمی‌رسم به درس و امتحان اون، حتی دخترش افت تحصیلی پیدا کرد». و (ش. ۱۱) این‌گونه بیان می‌کند: «نه، اولویت با مادر است و این رو بچه‌ها هم می‌دونن. این ده ساله جا انداختیم که اگه مادر کار داشت، اولویت مادری و اونا پذیرفتن. ناراحت هم بشن عنوان نمی‌کنن».

۲-ج- ناسازگاری

به دنبال وضعیت ایجادشده در اثر مراقبت از والد و مشکلات تابعه، اشکالی از تعاملات بین نسل مراقب (نسل ۲) و فرزندانش (نسل ۳) شکل می‌گیرد. از جمله: «اعتراض فرزند»، «انتظارات مشابه از فرزند»، «اقناع فرزند»، «سرکوب فرزند»، «جبران»، «بدخلقی فرزند».

وقتی که فرزندان با مشکلات ناشی از مراقبت پدر یا مادر بزرگ توسط پدر یا مادرشان روبه رو شده و کمبودهایی را که ناشی از این وضعیت است مشاهده می‌کنند «اعتراض» خود را نشان می‌دهند. نظیر آنچه (ش. ۱۰) می‌گوید: «به نحوی یکی از اعتراض‌های دخترم این است که می‌گه هر وقت می‌خواهیم مسافرت بریم شما می‌گید می‌خوام به مامانم کمک بکنم و از پدرم نگهداری کنم». و (ش. ۲۰) چنین اظهار می‌دارد که: «دخترم اعتراض می‌کند که چرا مادر بزرگ توی خونه دستشویی میکنه، چرا نمیره دستشویی، میگه ننه آدم بدیه». همچنین (ش. ۷) تجربه خود را این‌گونه توصیف می‌کند: «فقط دخترم اعتراض می‌کرد، دخترم دوست داشت توی مهمانی‌ها مثلاً با هم باشیم، یه موقع ناراحتی‌هایی می‌کرد». (ش. ۱۱) عنوان می‌کرد که: «بچه‌ها گاهی گلایه می‌کنند ولی نمی‌ذارم چون میگم مادر اولویت داره. یکیشون ۱۷ سالش بود که الان ۲۷ سالش شده و یکیشون ۹ سالش بود و کاملاً نوجوانیشون در این دوره گذشت، کاملاً اوج نوجوانیشون مصادف شده بود با ازپافتادگی مادرمون، دیگه چاره‌ای نیست بهانه‌گیری که می‌کردند».

وقتی افراد از والدین سالمند خود نگهداری می‌کنند، «انتظارات مشابه» مبنی بر احترام گذاشتن، رعایت کردن و مراقبت در آینده را از فرزندان خود دارند یعنی به نوعی فرزندان خود را در معرض چنین فشاری قرار می‌دهند. (ش. ۳۰) می‌گوید: «من با این بدبختی بچه بزرگ می‌کنم که یه روزی به دردم بخوره». (ش. ۱۱) چنین اظهار می‌دارد که: «یک احساس دارم که میگم بچه من که می‌بینم و میگه این پدرم به پدر و مادرش رسیده، ده سال جلوی چشمش بوده، خوب این خیلی مهمه. صد درصد روی بچه‌ها تأثیر می‌ذاره که بچه‌هایی بشن که به والدینشون برس. جا انداختیم توی خونه که پدر و

مادر در اولویت هستن و این خیلی مهمه، بذار بچه‌ها بدونن که وقتی بزرگ شدن باید به پدر و مادر برسن».

وقتی فرزندان مورد کم توجهی قرار می‌گیرند در اثر مشکلات واکنش‌های اعتراضی نشان می‌دهند. یکی از اقدامات والدین تلاش برای «اقناع فرزند» است. در این مورد (ش ۱۰) چنین می‌گوید: «از این که نتونم خواسته‌های دخترمو برآورده کنم ناراحت میشم ولی مجبورم بازم براش توضیح بدم، با حرف زدن تونستم قانعش کنم ولی خودم رو نمیتونم قانع کنم». (ش ۲۰) چنین اظهار می‌دارد که: «دخترم اعتراض میکنه که چرا مادر بزرگ توی خونه دستشویی میکنه چرا نمیره دستشویی، میگم سخته کرده و مریضه و اونم قانع میشه». (ش ۷۰) عنوان می‌کند: «بزرگه یه موقع جایی نمی‌رفتیم هی غرمیزد که مامان ما همش توی خونه باید بمونیم، درک نمی‌کرد که این مادر منه، با این حرفا که مادر جون گناه داره، توجیه می‌کردم».

«سرکوب فرزند» از دیگر اقداماتی است که در برابر خواسته‌ها و اعتراضات فرزندان (نسل ۳) از طرف والدینشان (نسل ۲) صورت می‌گیرد. در این مورد (ش ۱۱۰) می‌گوید: «ما نباید بهشان اجازه بدیم پرتوقع بشن و پاشونو از گلیمشون درازتر کنن... بهانه‌گیری که می‌کردن منتها ما جلوشون رو سد می‌کردیم، می‌کوبیدیم، نمیداشتیم خیلی بهانه‌گیری کنن، دیگه عادت کردن، شاید آن اوایلش یه قدری بهانه می‌گرفتن».

وقتی که مراقبان (نسل ۲) متوجه می‌شوند که کمبودها و محدودیت‌هایی را به فرزندان خود (نسل ۳) تحمیل کردند یکی از اقداماتشان، «جبران» است. (ش ۱۱۰) بیان می‌کند که: «من فکر می‌کنم توی زندگی خودم به خاطر مادرم کم گذاشتم، مجبور بودم، مثلاً برای پسرم ماشین خریدم انداختم زیرپاش گفتم این ماشین حالا درسته خیلی هم گرون نیست، گفتم این ماشین باشه زیرپات به کسی هم نگو من خریدم بگو خودم خریدم، ماشین رو خریدم».

۳-ج- تعارض سه جانبه

در حوزه تعارضات والد - فرزندی یک شکل تعارض سه جانبه تحت عنوان تعارض «مراقب- فرزند- والد» مفهوم سازی شده است. منظور از این تعارض، موقعیتی است که تعارضی بین فرزند (نسل ۳) و والد (نسل ۱) وجود دارد و پای مراقب (نسل ۲) به این تعارض کشیده می شود. تجربه (ش. ۷۰) گویای این واقعیت است: «مثلا دخترم دوست داشت، بالاخره دختره دوست داره توی خونه به خودش برسه، می گفتیم نه بی احترامیه». و (ش. ۹۰) چنین می گوید: «هادی (فرزند معلول) میگه بریم خونه، میگم مادر شام حاضر کردم، الان قرص اعصاب هم میخوره، پاهاش ورم کرده، مادرم یه طرف، هادی هم یه طرف». و نیز (ش. ۱۲۰) اظهار می دارد: «خانواده و مادر از یه طرف که به قول معروف ریشه آدم هستن و فرزند هم که باز از یه طرف دیگه...مجبور هستم که هیچیک را ناراضی ندارم... با توجه به اینکه مدارس دائم در حال پیشرفت هستند، پیشرفت علمی، همش از بچه ها یه چیزهایی میخوان، به هر حال من برم بیرون خرید کنم یا پیام وسیله ای براش بسازم، یا به دنبال کارهای مدرسه اش باشم. یا به هر حال میخواد بره مدرسه یه چیزی تهیه کنم. از یه طرفی اگه اینها روانجام ندم فرزندم ناراحت میشه و از طرف دیگه من در شرایطی قرار می گیرم که مادرم احتیاج داره مثلاً توی بیمارستان بخوابه اگه بخوام اونو ترک کنم، اینو چیکار کنم؟ و اگر بخوام اینو ترک کنم مادرمو چکار کنم؟».

د: تعارضات فرزند (۲) - والدی (۱)

منظور از این تعارضات، مشکلاتی است که بین مراقبان (نسل ۲) و والد سالمند (نسل ۱) به وجود می آید، این مقوله به دوزیر مقوله درهم «تنیدگی مرزها» و «تعاملات» تقسیم می شود.

۱-د: درهم تنیدگی

منظور از «درهم تنیدگی» مشکلاتی است که ناشی از عدم فردیت و استقلال عاطفی

هریک از دو طرف یعنی فرزند (نسل ۲) و والد (نسل ۱) است. این زیرمقوله از دو مفهوم «وابستگی فرزند به والد» و «وابستگی والد به فرزند» انتزاع شده است.

«وابستگی فرزند به والد» حالتی است که مراقب بدون والد یکپارچگی روان شناختی ندارد، بدون او در مسافرت ها و مهمانی ها راحت نیست، و به نوعی تمایل دارد که همه جا والد همراهش باشد. شاهد این واقعیت تجربه (ش. ۱۲) که می گوید: «من اینقدر به این مادرم وابستگی دارم که حتی از ارثیه پدری که به من رسید به خاطر خوشحال کردنش، اسمش را برای مکه نوشتم و بردمش. توی مکه با اینکه خیلی سخت بود ولی همراهیش کردم و گذاشتم اعمالش رو به درستی انجام بده ولی خب به هر حال خودم آنجا دست و پایم بسته بود، مثلاً ایشون به قدری به من وابسته هست که من جرأت اینکه به تنهایی برم خرید یا برم طواف یا هر جای دیگه به تنهایی خودم برای خودم کار انجام بدم نداشتم، شاید جای نگرانی باشه، احتمال داره بالاخره آدمیزاده شاید به روزی نتونه و یا اینکه به هر حال اتفاقی براش بیفته که از پس مسئولیت مادرش برنیاد، یه جوری در هم تنیده شدیم». و (ش. ۷) اظهار می دارد که: «وقتی می رفتم مهمونی فکر می کردم مادرم تنهاس ناراحت می شدم... الانم که جدا شدیم خیلی جاها اصلاً به خاطر اینکه مادرم نمیاد مسافرت نمی رم».

ولی آنچه در بیشتر موارد صادق است، وابستگی والد سالمند به فرزند به ویژه به یکی از فرزندان است و بالطبع این وابستگی افراطی محدودیتها و مشکلاتی را برای فرزند به وجود می آورد. (ش. ۴) در این مورد می گوید: «مادر من قبل از ازدواج خیلی به من وابسته بود و بعد از ازدواج واکنش هایی وجود داشت که احساس می کرد بچه موازم گرفتن». و تجربه زیسته (ش. ۵) حاکی است: «با من راحت تر بود تا خواهرم، همیشه هم می گفت تو از در می آیی چشمم به دست توست، می خندید می گفت تو شوهر منی... وابسته شده بود به ما، یک ساعت که دیر می اومدیم زنگ می زد و می گفت چرا نمی آیی. خیلی وابسته شده بود» و نیز (ش. ۷) اظهار می دارد که: «همه کاراشو وسط هفته تا آخر هفته به

امید من میشینه تا من برم کاراشو بکنم، حتی توی تمیزی خونه هم می‌گه تو مثل بقیه نیستی تو خیلی خوب تمیز می‌کنی». و (ش. ۱۱) چنین عنوان می‌کند: «من بیشتر میرم چون من کارهای پرستاریش رو انجام میدم، خود مادرم می‌گه تو هر روز بیا». و نیز (ش. ۱۲) بیان می‌کند که: «نقشی که من در خانواده اجرا می‌کنم تقریباً نقش یه پدر، یه شوهره برای همسرش، دیگه هم مادر عادت کرده به این مسئله و هم اینکه خواهر برادرها عادت کرده‌اند.. مادر من بیشتر جنبه وابستگی داره و می‌خواد از روح و روان ما با خبر باشه و به من بیشتر».

۲-۵- ناسازگاری

والدین سالمند علیرغم ناتوانی در برخی زمینه‌ها و نیازمندی به مراقبت از طرف فرزندان خود، در عین حال مشکلاتی را با فرزندان خود دارند، چرا که نه آنچنان توانا هستند که خودکفا باشند و نه آنقدر ناتوان که در برابر فرزندان منفعل و مطیع باشند. لذا شکل ارتباط فرزند-والدی برخی موارد ناخوشایند می‌گردد. این زیرمقوله از مفاهیم «بدزبانی والد»، «بد رفتاری والد»، «مقاومت والد در برابر مراقبت»، «عدم تفاهم فرزند-والد در تصمیم‌گیری‌ها»، «پرتوقعی والد»، «مشاجره فرزند - والدی» انتزاع شده است.

تجربه زیسته برخی از شرکت کنندگان حاکی از آن است که والد سالمند دریافت کننده مراقبت در موقعیت‌هایی که کاری خلاف میلش انجام می‌شود از الفاظ ناخوشایند استفاده می‌کنند و یا اصطلاحاً «بدزبانی» می‌کند. کما اینکه (ش. ۴) می‌گوید: «بعضی وقت‌ها فشار می‌اد از این جهت که زبان تیزی داره بعضی موقع‌ها حرف‌هایی می‌زنه که ناراحت می‌کنه» و (ش. ۵) چنین عنوان می‌کند: «ناراحت میشد یه وقت، نفرینم می‌کرد، می‌گفت شما به من بد می‌کنید. من نان زیاد براش نمیداشتم گفتم می‌خوره و قندش بالا می‌ره و براش بده. آب نگذاشتم و گفتم باید بذاری و گفتم نمی‌ذارم، رفتم بیرون برگشتم دلم نیومد و گفتم گناه داره، برگشتم دیدم داره نفرین میکنه، گفتم الهی روز خوش نبینی این چند ماهه پدر منو درآوردید». (ش. ۷) تجربه اش

را چنین توصیف می‌کند: «مادرم کوتاه نمی‌اومد به موقع چیزی می‌گفتم، می‌گفت نه اینجا نشستنی باید همه جوهره هوای منو داشته باشی». و نیز (ش. ۱۲) اظهار می‌دارد که: «با این همه من تمام حرفاشو به گوش جون می‌خرم یعنی باهاش تعارض لفظی پیدا نمی‌کنم ولی به هر حال به چیزهایی میگه».

یکی دیگر از ناسازگاری‌ها که بین فرزند و والد سالمند رخ می‌دهد و برای فرزند ناخوشایند است «بد رفتاری والد» است. یعنی رفتارهایی از ایشان بروز می‌کند که برای مراقبان ناخوشایند است. از جمله (ش. ۵) چنین عنوان می‌کند که: «داشت احترامش از بین می‌رفت، بچه‌های خواهرم می‌گفتن آخ مامان جون دوباره زنگ زد، من باید همش توی گوشش می‌خوندم اگر نه فکر نمی‌کرد، زنگ می‌زد، یک احساس کمبود کوچک باعث می‌شد زنگ بزنه، درک نمی‌کرد». و (ش. ۷) چنین اظهار می‌دارد که: «مامان من یک حالتی هست که حالت دیکتاتوری داره، می‌گه فقط با من، حرف شوهرهامون رو می‌زنیم میگه توی زندگی اول پدر و مادر هستنن به موقع‌هایی میگم شوهرم این جوریه نمیداره میگه شما خیلی هوای شوهرهاتون رو دارید... به موقع مهمانی‌ها شام بود من نمی‌رفتم، مادرم می‌دید نمی‌گفت شوهرت داره میره شما هم برید، کوتاه نمی‌اومد. اگر به موقع من میگفتم برم می‌گفت تو کجا می‌خوای بری». (ش. ۸) تجربه اش را چنین توصیف می‌کند: «مادرمون دیکتاتور بود و برای همین میدونم که سخته پیش مادرم، خودم به خانم حق می‌دم که سختش باشه خانه مادرم، خودم سختشو کشیدم».

سالمندان به خاطر وضعیت خاص جسمانی و بیماری‌های متعددی که دارند، معمولاً باید نکات بهداشتی را در تغذیه، تحرک و امثال آن رعایت کنند، اما در بسیاری اوقات در برابر این مراقبت‌ها «مقاومت» می‌کنند و این موجب بدتر شدن بیماری آنها و یا ایجاد مشکلات دیگر می‌شود. (ش. ۵) می‌گوید: «خیلی وابسته شده بود، راه کمتر می‌رفت، سعی نمی‌کرد بلند بشه. می‌گفت بیایید. من که احساس می‌کردم بیشتر خوشحاله که به جا افتاده چون ما همش پیشش بودیم». و (ش. ۱۱) اظهار می‌دارد که:

«باید با ویلچر ببریم دستشویی می‌گه لگن نمی‌خوام ... فشارش هم به علت رعایت نکردن خورد و خوراکش بالا بود، نمک به غذا می‌زنه، ما صبحانه خامه نمی‌خوریم، اون می‌خوره خیلی جالبه خامه می‌خوره».

فرزندان با توجه به شرایط زندگی خود و یا سلیقه و عقیده خودشان برای تسهیل شرایط گاهی می‌خواهند تصمیماتی بگیرند. مثلاً در مورد مکان زندگی والد و یا سبک زندگی، ولی والد سالمند موافقت نمی‌کند و یک «عدم تفاهم فرزند-والدی» ایجاد می‌شود. در این زمینه تجربه (ش. ۴) چنین است که: «حاضر نیست بیاد پیش ما زندگی کن، دوست داره خودش مستقل باشه، ما می‌گیم بیا پیش ما ولی نمیاد، مثلاً گفتیم بیا بریم مشهد، حاضر نشد بیاد. با اینکه جا داشتیم، دوست داره توی همون خونه خودش باشه... گفته خونه را بفروشم پیام نزدیک شما ولی نتونستیم این کار را انجام بدیم، یک بعد اخلاقیم داره، فقط چیزهایی که خودش انتخاب می‌کنه و بخره خوبه، آگه ما بخیریم یه عیب و ایرادی ازش می‌گیره، حالا خانه را موندیم می‌ترسم برم بخرم و خانه را عوض کنم، فردا دوباره مایه حرف و حدیث بشه که خونه اینجاش اینطور بود». و نیز (ش. ۵) چنین مطرح می‌کند: «با هم اختلاف سلیقه خیلی داشتیم اصلاً طرز فکر من و خواهرم مثل مامانم نبود، اصلاً کاری به جوانب نداشت همون رویه خودش را داشت، کار خودشو می‌کرد ما مراعات می‌کردیم جلوی این و اون حرفی را نزنیم، مامانم نه، راحت. اصلاً فکر نمی‌کرد و می‌گفت ناراحت شد که شد مهم نیست».

«مشاجره فرزند-والدی» یکی دیگر از اشکال ناسازگاری بین فرزند و والد سالمند دریافت کننده مراقبت است. (ش. ۵) می‌گوید: «یک موقع از سرکار می‌رفتم به هر حال سنش بالاست و متوجه نمیشد که الان من نمیتونم این کار رو انجام بدم ناراحت میشد. یه مشاجره‌های لفظی با مادرم داشتیم... من یه موقع ناراحت می‌شدم غرمیزدم». و (ش. ۷) اظهار می‌دارد که: «از لحاظ پوشش مامانم خیلی گیرمیده حتی توی خونه، یه موقع بهش می‌گفتم آدم بخواد توی خونه هم پوشیده باشه بیرونم پوشیده باشه پس کجا راحت باشه من نمیتونم باهاش بحث کنم و جبهه بگیرم چون اون حرف خودشو می‌زنه».

از آنجایی که والدین زحماتی را برای رشد و بزرگ کردن فرزندانشان کشیده اند و نیز آموزه‌هایی که در فرهنگ وجود دارد، و به ویژه والدینی که در شرایط خاصی مثل طلاق و یا بیوگی فرزندانشان را بزرگ کرده اند «پرتوقع» هستند و این توقعات زیاد فرزندان را تحت فشار می‌گذارد. تجربه (ش. ۴) که در نوجوانی پدرش را از دست داده است حاکی است: «احساس ریاست می‌کنه، می‌خواود تصمیم گیرنده باش، انتظارات بالایی داره» و (ش. ۵) می‌گوید: «من چون پدر و مادرم از همه جدا شده بودن همیشه اینم می‌گفت که من برای شما خیلی کردم شما هر کار بکنید وظیفه تونه، همیشه یعنی هر کار ما می‌کردیم احساس می‌کردم کاملاً راضی نبود». و (ش. ۱۲) تجربه خود را چنین بیان می‌کند: «وقتی آدم به طرف مقابلش زیاد نزدیک میشه توقعات طرف مقابلش را زیاد میکنه، من زمانی که میرم مادرمو میارم یا میرم خورش مثلاً جرأت اینکه اگه خسته ام زودتر بخوابم ندارم، میگه زودتر بخواب یا مثلاً من اینجا هستم، خواب، لامپ را بالای سر من روشن نکن، نمیدونم این کارو نکن».

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه نشان داد که افراد متاهلی که از والد (ین) سالمند خود مراقبت می‌کنند، در چهار حوزه تعارضات بین فردی را تجربه می‌کنند، که عبارتند از: تعارضات همشیری، تعارضات زناشویی، تعارضات والد - فرزندی و تعارضات فرزند - والدی. که هریک از این تعارضات زیر مقوله‌هایی داشتند که در واقع بر ماهیت و شکل بروز و ظهور تعارضات دلالت می‌کردند.

یکی از انواع تعارضات بین فردی، تعارضات همشیری است که، اختلافات و مشکلاتی را شامل می‌شود که بین فرزندان والد (ین) سالمند در اثر مراقبت از والد (ین) به وجود می‌آید. نظیر عدم همکاری برخی از همشیرها، برخوردهای بد متقابل، سربار بودن برخی همشیرها، اختلاف نظر در تبیین مشکلات و نیز نحوه نگهداری از والد (ین).

نتایج این پژوهش با یافته‌های دیتون، نیل، ها، و همر^۱ (۲۰۰۳) همخوان است. در مطالعه آن‌ها دو سوم شرکت کنندگان از توزیع نامتعادل کار بین همشیرها گفتند، و فقط یک سوم روابط را عادلانه توصیف کردند، و واکنش ایشان به این نابرابری ناراحتی بود. اما، تعارض بین همشیرها یک امر مطلق نیست، کما اینکه، لاشویچ و کیتینگ^۲ (۲۰۰۹) چنین یافتند که، اختلاف هنگامی رخ می‌دهد که همشیرها مراقبت از والدین را به عهده دیگران می‌گذارند، و یا اگر والدین دارایی داشته باشند، از طریق تاکتیک‌هایی نظیر جدا کردن والدین از دیگر همشیرها و جلوگیری از درگیر شدن آن‌ها در مراقبت و دارایی‌ها اقدام می‌کنند. در بررسی تغییر در شبکه‌های فرزندان بزرگسال مراقب، زمینه‌های گوناگون مورد توجه قرار گرفته، از جمله، زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی و زمینه خانوادگی. زمینه اجتماعی - اقتصادی به دوروش می‌تواند تأثیر بگذارد، اولاً، والدینی که در وضعیت بالاتر اقتصادی - اجتماعی قرار دارند به مراقبت‌های رسمی دسترسی بیشتر دارند، که این، فشار مراقبت را از روی فرزندان کم می‌کند. ثانیاً، برخی محققان استدلال کرده‌اند که مراقبت به خاطر منافع شخصی وارث صورت می‌گیرد. از آنجایی که والدین متعلق به طبقات بالای اقتصادی - اجتماعی منابع بیشتری نسبت به هم‌تایان فقیر خود دارند، فرزندان انگیزه و رغبت بیشتری برای نگهداری ایشان دارند. شواهد تجربی در این زمینه مخلوط هستند. برخی از محققان شواهد کمی از تأثیر منافع شخصی پیدا کرده‌اند (آلتون، هایاشی و کتیکف^۳، ۱۹۹۶). دیگران نشان داده‌اند در صورت دریافت حمایت بیشتر از والدین در گذشته، حضور همشیرها، باعث رقابت در مراقبت از والدین می‌شود (وایت مینز و هانگ^۴، ۲۰۰۱). در زمینه خانوادگی، شاخص اصلی تعداد فرزندان والدین است. مطالعات نشان می‌دهد که با افزایش تعداد همشیرها به ویژه خواهران میزان

1. Daton, B.I., Neal, M. B., Ha, J. H. & Hammer, L. B.

2. Lashewicz, B. & Keating, N.

3. Altonji, J. G., Hayashi, F., & Kotlikoff, L.

4. White-Means, S. I., & Hong, G.S.

مراقبت توسط هر فرد کاهش می‌یابد (مک‌گری و اسکونی^۱، ۱۹۹۵؛ سالدو و هیل^۲، ۱۹۹۵؛ ولف، فریدمن و سالدو^۳، ۱۹۹۷). پس ملاحظه می‌شود که، مراقبت از والدین سالمند الزاما تعارض انگیز نیست بلکه وابسته به عواملی نظیر وضعیت اقتصادی - اجتماعی ایشان و حمایت پیشین ایشان از فرزندان می‌باشد. بطوریکه حتی ممکن است مراقبت رقابت انگیز نیز باشد. و این طور نیز می‌شود استنباط کرد که در هر صورت تعارض وجود دارد، یا به علت رقابت در نگهداری والدین، و یا به علت رقابت در واگذاری به همشیره‌های دیگر. موضوع دیگری که وجود دارد جنسیت همشیره‌ها است که منشاء تفاوت می‌شود، پژوهش گریگوریوا^۴ (۲۰۱۷) نشان داد که دختران بیشتر از پسران از والدین مراقبت می‌کنند. و نیز مشخص کرد که پسران از پدران و دختران از مادران بیشتر مراقبت می‌کنند. و این در حالی است که به علت شانس زندگی بالاتر در زنان اغلب والد دریافت کننده مراقبت مادران هستند، پس طبعاً دختران بیشتر درگیر مراقبت می‌شوند. هارتمن و دیگران^۵ (۲۰۱۶) طی پژوهشی بیان داشت که زنانی که سطوح بالاتری از رنج را تحمل می‌کردند کسانی بودند که حمایت کمتری از جانب خانواده دریافت می‌نمودند. همچنین ناینگانا و دیگران^۶ (۲۰۱۶) دریافت که همشیره‌های بزرگسال وقتی از والدینشان مراقبت می‌کنند سطحی از استرسورهای خانوادگی را تجربه می‌کنند. میزان رنج ناشی از استرسورهای خانوادگی با رابطه همشیره‌ها همبستگی منفی دارد. آمارو میلر^۷ (۲۰۱۶) نشان داد که بین همشیره‌ها قدردانی از دو طریق کلامی و غیر کلامی صورت می‌گیرد. ارتباط کلامی مثبت شامل یک تشکر ساده از آنچه مراقب انجام می‌دهد و نقشی که دارد. و ارتباط منفی شامل خودداری از تشکر و عدم درک ارزش کار مراقب بود. ارتباط غیر کلامی

1. McGarry, K., & Schoeni, R. F.

2. Soldo, B. J., & Hill, M. S.

3. Wolf, D. A., Freedman, V., & Soldo, B. J.

4. Grigoryva, A.

5. Hartmann, M.L., & at al.

6. Nagangana, P. C., & et al.

7. Amaro, L. M., & Miler, K. L.

مثبت در برگیرنده عمل کردن به وعده‌ها و ارتباط منفی غیرکلامی منفی متضمن خلف وعده بود. هالیول، ایگان و هاوارد^۱ (۲۰۱۷) نیاز همشیرهای بزرگسالی که از والدین خود مراقبت می‌کنند، به کارکردن با هم به شکل یک تیم، همدلی در تعاملاتشان و ابراز قدردانی از یکدیگر را برجسته کرد. با توجه به نتایج مطالعات می‌توان چنین نتیجه گرفت که، مراقبت از والدین سالمند بطور بالقوه بستر تعارض بین همشیرها است. اما، الزاما این تعارضات بروز نمیکنند، بلکه تحت تأثیر عواملی نظیر تعداد همشیرها، جنسیت آنها، نحوه رفتار متقابل آن‌ها، وضعیت اقتصادی - اجتماعی والدین، و نیز حمایت پیشین والدین از فرزندان می‌باشد.

نوع دیگر تعارضاتی که فرزندان مراقب والدین سالمند تجربه می‌کنند تعارضات زناشویی است. این حوزه شامل محرومیت‌های زناشویی، ناسازگاری‌ها، انتشار حال بد، و تعارضات سه جانبه می‌گردد. مطالعات کانگ و مارکس^۲ (۲۰۱۴)، چوی و مارکس^۳ (۲۰۰۶)، ویدانف و دانلی^۴ (۱۹۹۹)، پولنیک و همکاران^۵ (۲۰۱۶)، فینگرمن و دیگران^۶ (۲۰۱۶)، گود (۱۹۶۰)، لی، زاریت، روین، بریدیت و فینگرمن^۷ (۲۰۱۲) و فریمون تایر^۸ (۲۰۰۳) نیز موید این هستند که مراقبت از والد سالمند توسط فرزندان متأهل با تنش‌های زناشویی همراه است. شگفت‌انگیزترین تجربه مراقبان، فقدان کامل حریم خصوصی بود (جویسی و ژانگ^۹، ۲۰۱۵). اما امیرخانیان و ولف^{۱۰} (۲۰۰۳) نشان دادند که، رضایت زناشویی بالا اثر مراقبت از والدین را تعدیل می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت، زوجیهایی که در اثر مراقبت از والد سالمند دچار تعارضات زناشویی و عدم رضایت از زندگی می‌شوند،

1. Halliwell, D., Egan, K. A. W., & Howard, E. L.

2. Kang, S. W., & Marks, N. F.

3. Choi, H., & Marks, N. F.

4. Voydanoff, P., & Donnelly, B. W.

5. Polenick, C. A., & at al.

6. Fingerman, K. L., & at al.

7. Lee, J. E., & at al.

8. Frémontier, M.

9. Joyce, L., & Zhang, Z.

10. Amirkhanyan, A. A., & Wolf, D. A.

زوجیت آسیب پذیری دارند، به عبارتی مراقبت از والد علت ایجادکننده نارضایتی زناشویی نیست، بلکه فشار مراقبت به مسائل زمینه‌ای زوجها افزوده می‌شود و نارضایتی را افزایش می‌دهد. همچنین پولنیک و همکاران^۱ (۲۰۱۶) دریافتند که، تأثیر مراقبت از والد بر رضایت زناشویی تحت تأثیر متغیرهای، باورهای عرفی و انگیزشی هریک از همسران است. پس تعارض انگیزی مراقبت از والد نیز یک امر مطلق و تخطی ناپذیر نیست. همچنین چانگ، مک لارنی و گیلن^۲ (۲۰۰۸)، واکابایاشی و دوناتو^۳ (۲۰۰۶) نشان دادند که از آنجا که مراقبان مجبورند از اوقات فراغت یا ساعات کاری خود کم کنند و از کاهش درآمد رنج ببرند، ممکن است تعارضات خانوادگی ایجاد و یا تشدید شود. لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که، اگر پیامدهای مراقبت کنترل شود تعارضات زناشویی به تبع آن‌ها کنترل و تعدیل می‌شود. یعنی مدیریت کردن این نقش‌های چند گانه نیاز به مهارت و خدمات حمایتی دارد.

تعارضات والد - فرزندی نیز نوع دیگری از تعارض بین فردی است که مراقبان والدین سالمند گزارش کرده‌اند، این تعارضات چهار زیر مقوله کم توجهی به فرزند، ناسازگاری‌ها، مشکلات فرزندان جوان، و تعارض سه جانبه را شامل می‌شوند. از آنجایی که نسل میانسال که مراقبت از والد (ین) سالمند خود را عهده‌دار می‌شود غالباً خود دارای فرزند است و هم زمان نقش والد را هم به عهده دارد. بین وظایف مراقبت و والدگری تعارض ایجاد می‌گردد. بطوریکه ناگزیر این نسل میانی منابع محدود انسانی (نظیر زمان و توجه) و مادی (نظیر امکانات و پول) را بین نسل پیشین و نسل بعدی تقسیم می‌کند و این وضعیت این نسل را دچار مشکلاتی می‌کند، و در فرزندانش واکنش‌هایی را برمی‌انگیزد. نتایج پژوهش حاضر با مطالعات بلاک و دیگران^۴ (۲۰۱۰)،

1. Polenick, C. A. & at al.

2. Chung, E., McLarney, C., & Gillen, M. C.

3. Wakabayashi, C., & Donato, K. M.

4. Black, S., & at al.

کینگ اسمیل و شلسینگر^۱ (۱۹۹۸)، لاوویی، گابرمین و اولازابال^۲ (۲۰۰۸) منطبق است. بنا به اظهارات بریدیت، میلر، فینگرمن و لفکویتز^۳ (۲۰۰۹) تنش‌ها در روابط والدین و فرزندان بزرگسال متداول است، اما تحقیقات کمی در مورد موضوعاتی که موجب تنش بیشتر می‌شود، و یا اینکه آیا تنش با کیفیت کلی رابطه ارتباط دارد، وجود دارد. اغلب مطالعاتی که در رابطه با مراقبت از والد سالمند صورت گرفته است، به تعارض نقش بطور کلی پرداخته‌اند، از جمله (استفنز و همکاران^۴، ۲۰۰۱؛ فینبرگ و همکاران^۵، ۲۰۱۱؛ کان وی^۶، ۲۰۱۶؛ فینگرمن و همکاران^۷، ۲۰۱۰؛ نالدینی، پاولینی و سولرا^۸، ۲۰۱۶؛ کالن و همکاران^۹، ۲۰۰۹؛ ماسن^{۱۰}، ۲۰۱۴؛ کیلیان، ترنرو کاین^{۱۱}، ۲۰۰۵) اما بطور خاص بر تعارض والد - فرزندی تمرکز نکرده‌اند، و نیز اغلب پژوهش‌ها کمی بوده‌اند، ولی پژوهش حاضر به روش کیفی صورت گرفته و ضمن استخراج تعارض والد - فرزندی از دل تجارب مراقبان والد سالمند، به کالبد شکافی این مقوله نیز پرداخته و ماهیت تعارضات را نیز آشکار ساخته است.

تعارض دیگری که فرزندان بزرگسال در جریان مراقبت از والد سالمند با آن درگیر می‌شوند، تعارضات فرزند - والدی است، که از دوزیر مقوله درهم تنیدگی متقابل، و ناسازگاری‌ها تشکیل می‌شوند. از آنجایی که والدین سالمند اغلب در وضعیتی قرار دارند که ضمن ناتوانی و نیازمندی به مراقبت کاملاً منفعل نیستند و نوعی خودمختاری را نیز می‌طلبند، و گویا اقتدار پیشین خود را نمی‌خواهند از دست بدهند، بنابراین بین فرزندان و والدین مشکلات و کشمکش‌هایی ایجاد می‌شود. یافته‌های این پژوهش با

1. Kingsmill, S., & Schlesinger, B.

2. Lavoie, J.-P., Guberman, N., & Olazabal, I.

3. Birditt, K. S., Miller, L. M., Fingerman, K. L., & Lefkowitz, E. S.

4. Stephens, M. A. & at al.

5. Feinberg L, & at al.

6. Conway, K.

7. Fingerman, K. L., & at al.

8. Naldini, M., Pavolini, E., & Solera C.

9. Cullen, J. C., Hammer, L. B., Neal, M. B., & Sinclair, R.

10. Mason, D. J.

11. Killian, T., Turner, J., & Cain, R.

یافته‌های مطالعات کیم و دیگران^۱ (۲۰۱۶)، فینگرمن و دیگران^۲ (۲۰۱۶)، هالی و دیگران^۳ (۱۹۸۷)، کینی و دیگران^۴ (۱۹۹۵)، اسکالزو ویلیامسون^۵ (۱۹۹۱)، برانک و وایلی^۶ (۲۰۱۶)، هاید، زاریت و فینگرمن^۷ (۲۰۱۵)، بریدیت و همکاران^۸ (۲۰۰۹) و کان وی (۲۰۱۶) مطابقت دارد. این مطالعات هر کدام به جنبه‌ای از تعارضات فرزند-والدی دست یافته‌اند، کیم و دیگران (۲۰۱۶) نشان دادند که افزایش ناتوانی والد با کاهش کیفیت ارتباط مثبت با والدین همراه بود، همچنین فرزندان که کمک واقعی به فعالیت‌های روزمره والدین ارائه می‌کردند کیفیت ارتباط منفی را گزارش کردند. فینگرمن و دیگران (۲۰۱۵) دریافتند که، ارائه حمایت به فرزندان بالغ با خلق مثبت همراه بود، در حالیکه ارائه حمایت به والدین با خلق منفی. می‌توان گفت قشر میانسال با اشتیاق و انگیزه به فرزندان خود خدمات می‌دهند، اما برای والدین ناتوان خود چنین نیستند، و این زمینه را برای شکل‌گیری و بروز تعارضات فراهم می‌کند. هالی و دیگران (۱۹۸۷)، کینی و دیگران (۱۹۹۵) و اسکالزو ویلیامسون (۱۹۹۱) نشان دادند که رفتارهای مشکل ساز فرد ناتوان مثل انتقاد و شکایت مراقبان را دچار افسردگی می‌کند. هاید، زاریت و فینگرمن و دیگران (۲۰۱۶) اظهار داشتند که، اگر سالمندان رفتار یا اهداف مورد نظر فرزندان را رد کنند، ممکن است فرزند آن را عنادورزی ببیند. این تاییدی است بر نوع تعاملات که در پژوهش حاضر به عنوان یک زیرمقوله در این حوزه استخراج شد. کان وی (۲۰۱۶) در یک مطالعه کیفی یکی از مقوله‌هایی که از تجارب مراقبان والدین استخراج کرد این بود «والدین به بچه‌های شما تبدیل می‌شوند» این در واقع وابستگی والد به فرزند را تایید می‌کند، و اینجا وارونگی نقش رخ می‌دهد، یعنی والدین که زمانی فرزندان را حمایت می‌کردند

1. Kim, K., & at al.

2. Fingerman, K. L., & at al.

3. Haley, W. E., & at al.

4. Kinney, J. M., & at al.

5. Schulz, R., & Williamson, G. M.

6. Brank, E. M. & Wylie, L. E.

7. Heid, A. R., Zarit, S. H., & Fingerman, K. L.

8. Birditt, K. S., & at al.

اکنون نیازمند حمایت ایشان هستند.

در اینجا این توضیح لازم است که این مطالعه کیفی بوده و سعی در کشف و شناسایی آنچه وجود دارد، داشته. لذا اولاً، اینکه این تعارضات از چه میزان فراوانی برخوردار هستند، و یا با چه متغیرهایی ارتباط دقیق دارند، مشخص نمی‌کند. ثانیاً، نتایج تعمیم پذیر نیستند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود براساس یافته‌های این پژوهش، پژوهش‌های کمی برای ساخت مقیاس اندازه‌گیری تعارضات بین فردی در افراد متأهل مراقب والد سالمند و نیز فراوانی تعارضات در جمعیت‌های مختلف، و مطالعه متغیرهای مرتبط با این مفهوم صورت گیرد.

قدردانی

برخود فرض می‌دانم از شرکت کنندگان محترم که ایثارگرانه وقت خود را در اختیار اینجانب گذاشتند و در دو مرحله جمع‌آوری داده‌ها و اعتباریابی در مصاحبه شرکت کردند. و از گروه مشاوره دانشگاه خوارزمی تهران جهت همکاری‌های با شائبه‌اش سپاسگزاری کنم.

منابع

- قرآن کریم.
- ارزانی، ح. ر. (۱۳۹۲). مسئولیت اخلاقی فرزندان در برابر والدین در قرآن و عهدین. نشریه/خلاق، دوره سوم، شماره ۴ (پیاپی ۳۴).
- برک، ل. ا. (۱۳۸۶). روان‌شناسی رشد (ازنوجوانی تا پایان زندگی). ترجمه بحیی سید محمدی. تهران: ارسباران (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۱).
- دالاس، ر. و دراپر، ر. (۱۳۹۰). مقایسه نظریه‌های خانواده درمانی. ترجمه معصومه اسمعیلی. تهران: رسا (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۵).
- زهراکار، کیانوش. و جعفری، ف. (۱۳۹۴). مشاوره خانواده (ویراست دوم). تهران: ارسباران.
- کاظمی پور، ش. (۱۳۸۷). روش‌های مقدماتی تحلیل جمعیت. تهران: دانشگاه پیام نور.
- گلدنبرگ، ا. و گلدنبرگ، ه. (۱۳۸۸). خانواده درمانی. ترجمه حمیدرضا شاهی برواتی، سیامک نقشبندی و

- الهام ارجمند. تهران: نشر روان (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۰).
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش ۱ و ۲، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
 - مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵. (<http://www.amar.org.ir>).
 - میرزایی، محمد و شمس قهفرخی، مهری (۱۳۸۶). جمعیت شناسی سالمندان در ایران براساس سرشماریهای ۱۳۸۵-۱۳۳۵. *سالمند (مجله سالمندی ایران)*، ۲ (۵)، ۳۲۶-۳۳۱.
 - نظری، علی محمد (۱۳۹۰). مبانی زوج درمانی و خانواده درمانی. تهران: نشر علم.
 - یانگ، م. و لانگ، ل. (۱۳۹۲). مشاوره و درمان مسائل زن و شوهری. ترجمه علی محمد نظری و همکاران. تهران: آوای نور (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۷).
 - Altonji, J. G., Hayashi, F., & Kotlikoff, L. (1996). The effects of income and wealth on time and money transfers between parents and children (Working Paper No. 5522). Cambridge, MA: National Bureau of Economic Research.
 - Amaro, L. M., & Miler, K. L. (2016). Discussion of care, contribution, and perceived (in)gratitude in the family caregiver and sibling relationship. *Journal of Perspnal Relationships*, (23). 1, 98-110.
 - Amirkhanyan, A. A., & Wolf, D. A. (2003). Caregiver stress and noncaregiver Stress: Exploring the pathways of psychiatric morbidity. *The Gerontologist*. Vol. 43, No. 6, 817-827.
 - Amirkhanyan, A. A. & Wolf, D. A. (2006). Parent Care and the Stress Process: Findings from Panel Data. *Journal of Gerontology: social sciences*. Vol. 61B, No. 5, S248-S255.
 - Birditt, K. S., Miller, L. M., Fingerman, K. L., & Lefkowitz, E. S. (2009). Tensions in the parent and adult child relationship: Links to solidarity and ambivalence. *Psychology and Aging*, 24, 287-295. doi:10.1037/a0015196
 - Birditt, K. S., Tighe, L. A., Fingerman, K. L., & Zarit, S.H. (2012). Intergenerational relationship quality across three generations. *The Journals of Gerontology, Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, 67 (5), 627-638, doi:10.1093/geronb/gbs050.
 - Birditt, K.S., Hartnett, C. S., Fingerman, K. L., Zarit, S., Antonucci, T. C. (2015). Extending the intergenerational stake Hypothesis: evidence of an intraindividual stake and implications for well-being. *J Marriage Fam*; 77 (4): 877-888. doi:10.1111/jomf.12203.
 - Black, S., Gauthier, S., Dalziel, W., Keren, R., Correia, J., & Hew, H., et al. (2010). Canadian Alzheimer's disease caregiver survey: Babyboomer caregivers and burden of care. *International Journal of Geriatric Psychiatry*, 25, 807-813.
 - Brank, E. M. & Wylie, L. E. (2016). "Differing Perspectives on Older Adult Caregiving. University of Nebraska – Lincoln, Faculty Publications, Department of Psychology. Paper 634.
 - Choi, H., & Marks, N. F. (2008). Marital conflict, depressive symptoms, and functional impairment. *Journal of Marriage and Family*, 70, 377-390. doi:10.1111/j.1741-3737.2008.00488. x.

- Coe, N. B., & Houtven, C. H. V. (2009). Caring for Mom and Neglecting Yourself? The Health Effects of Caring for an Elderly Parent. Workshop on the Future of Family Support for Older People London.
- Conway, K. (2016). The Experience of Adult Children Caring for Aging Parents. Seton Hall University Dissertations and Theses (ETDs). Paper 2151.
- Chung, E., McLarney, C., & Gillen, M. C. (2008). Social policy recommendations to alleviate stress among informal providers of elder care. *International Journal of Sociology and Social Policy*, 28, 340–350.
- Cullen, J. C., Hammer, L. B., Neal, M. B., & Sinclair, R. (2009). Development of a Typology of Dual-Earner Couples Caring for Children and Aging Parents. *Journal of Family Issues*. (30), 458-483.
- Daton, B.I., Neal, M. B., Ha, J. H. & Hammer, L. B. (2003). Redressing Inequity in Parent Care Among Siblings. *Journal of Marriage and Family* 65: 201–212.
- Elder, G. H., Jr., Johnson, M. K., & Crosnoe, R. (2003). The emergence and development of life course theory. In J. T. Mortimer & M. J. Shanahan (Eds.), *Handbook of the life course* (pp. 3-19). New York, NY: Kluwer Academic/Plenum.
- Eldh, A. C., Carlsson, E. (2011). Seeking a balance between employment and the care of an ageing parent. *Scandinavian Journal of Caring Sciences*. (25): 285-293. doi: 10.1111/j.1471-6712.2010.00824. x.
- Feinberg L, Reinhard S C, Houser A, Choula R. (2011). The Growing Contributions and Costs of Family Caregiving. AARP Public Policy Institute.
- Fingerma, K. L., Pitzer, L. M., Chan, W., Birditt, K., Franks, M., & Zarit, S. (2010). Who Gets What and Why? Help Middle-Aged Adults Provide to Parents and Grown Children. *Journal of Gerontology: Social Sciences*. Doi: 10.1093/geronb/gbq009.
- Fingerma, K. L., Pillemer, K. A., Silverstein, M., & Sutor, J. J. (2012). The Baby Boomers' intergenerational relationships. *The Gerontologist*, 52, 199–209. doi:10.1093/geront/gnr139.
- Fingerma, K. L., Kim, K., Tennant, P. S., Birditt, K. S. & Zarit, S.H. (2016). Intergenerational Support in a Daily Context. *The Gerontologist*, Vol. 56, No. 5, 896–908. doi:10.1093/geront/gnv035.
- Frémontier, M. (2003). L'aidant non professionnel: Premier soignant au domicile. *Gérontologie*, 125, 24–26.
- Genovese, R.G. (1997). *American at midlife*. Westport: Bergin and Garvey.
- Goode, W. J. (1960). A theory of role strain. *American Sociological Review*, 25, 483–496.
- Grigoryva, A. (2017). Own gender, sibling's gender, Parent's gender of Children. *American Sociological Review*. Vol 82, No, 1, pp. 116-146.
- Guberman, G., Lavoie, J. P., Blein, L., & Olazabal, I. (2012). Baby Boom caregivers: Care in the age of individualization. *The Gerontologist* Vol. 52, No. 2, 210–218 doi:10.1093/geront/gnr140.
- Haley, W. E., Levine, E. G., Brown, S. L., & Bartolucci, A. A. (1987). Stress, appraisal, coping and social support as predictors of adaptational outcome among dementia patients. *Psychology and Aging*, 2, 323–330.

- Halliwell, D., Egan, K. A. W., & Howard, E. L. (2017). Flying in a V formation: themes of (in)equity, reality, and togetherness in adult siblings' narrative explanations of shared parental caregiving. *Journal of Applied Communication Research*, <https://doi.org/10.1080/00909882.2017.1320574>.
- Hartmann, M.L., Anthierens, S., Assche, E. V., Welvaert, J., Verhoeven, V., Wens, J., & Remmen, R. (2016). Understanding the experience of adult daughters caring for an parent, a qualitative study. *Journal of Clinical Nursing*, doi: 10.1111/jocn.13195.
- Hashizume, Y. (2010). Releasing from the oppression: Caregiving for the elderly parents of Japanese working Women. *Qualitative Health Research*, 20 (6): 830-844. DOI: 10.1177/1049732310362399
- Heid, A. R., Zarit, S. H., & Fingerman, K. L. (2015). "My parent is so stubborn!"—Perceptions of aging parents' persistence, insistence, and resistance. *The Journals of Gerontology, Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*. doi:10.1093/geronb/gbu177
- Joycey, L., & Zhang, Z. (2015). Caregiver burnout: the Impact of adult day programs On caregivers. *Proceedings of The National Conference On Undergraduate Research (NCUR) 2015 Eastern Washington University, Cheney, WA April 16-18, 2015*.
- Kang, S. W., & Marks, N. F. (2014). Marital strain exacerbates health risks of filial caregiving: Evidence from the 2005 National Survey of midlife in the United States. *Journal of Family Issues*. DOI: 10.1177/0192513X14526392.
- Killian, T., Turner, J., & Cain, R. (2005). Depressive symptoms of caregiving women in midlife: The role of physical health. *Journal of Women & Aging*, 17 (1-2), 115-127. doi:10.1300/J074v17n01_09.
- Kim, K., Bangerter, L. R., Liu, Y., Polenick, C. A., Zarit, S. H., & Karen L. Fingerman, K.L. (2017). Middle-aged offspring's support to aging parents with emerging disability. *The Gerontologist*. Vol. 57, No. 3, 441–450.
- Kingsmill, S., & Schlesinger, B. (1998). *The family squeeze: Surviving the sandwich generation*. Toronto, Canada: University of Toronto Press.
- Kinney, J. M., Stephens, M. A. P., Franks, M. M., & Norris, V. R. (1995). Stresses and satisfactions of family caregivers to older stroke patients. *Journal of Applied Gerontology*, 14, 3–21.
- Lashewicz, B. & Keating, N. (2009). Tensions among siblings in parent care. *Eur J Ageing*, 6:127–135, DOI 10.1007/s10433-009-0109-9.
- Lavoie, J.-P., Guberman, N., & Olazabal, I. (2008). Une vieillesse en transition. Les solidarités intergénérationnelles en 2020. In G. Pronovost (Ed.), *La Famille à l'horizon 2020* (pp. 269–286). Quebec, Canada: Presses de l'Université du Québec.
- Lee, J. E., Zarit, S. H., Rovine, M. J., Birditt, K. S., & Fingerman, K. L. (2012). Middle-aged couples' exchanges of support with aging parents: Patterns and association with marital satisfaction. *Gerontology*, 58, 88–96. doi:10.1159/000324512
- Marks, N. F. & Lambert, J. D. (1999). Transitions to caregiving, gender, and Psychological Well-Being: Prospective evidence from the national survey of

- families and households. NSFH Working Paper No. 82. Center for Demography and Ecology. University of Wisconsin-Madison.
- McGarry, K., & Schoeni, R. F. (1995). Transfer behavior in the health and retirement study: Measurement and the redistribution of resources within the family. *Journal of Human Resources*, 30, S184–S226.
 - Mason, D. J. (2014). The Family's voice: Caregiving for an older adult. [MSW clinical research paper]. St. Catherine University and the University of St. Thomas St. Paul, Minnesota.
 - Nagangana, P. C., & et al. (2016). Intra-family stressor among adult siblings sharing caregiving for parents. *Journal of Advanced Nursing*. (72), 12, 3169-3181.
 - Naldini, M., Pavolini, E., & Solera C. (2016). Female employment and elderly care: the role of care policies and culture in 21 European countries. *Work, employment and society*, 1-24. DOI: 10.1177/0950017015625602.
 - Polenick, C. A, Zarit, S. H, Birditt, K. S, Bangerter, L. R, Seidel, A.J & Fingerma, K.L. (2016). Intergenerational Support and marital satisfaction: Implications of beliefs about helping aging parents. *Journal of Marriage and Family*. DOI:10.1111/jomf.12334
 - Polenick, C. A, Seidel, A. J., Birditt, K.S, Zarit, S. H., & Fingerma, K. L. (2017). Filial Obligation and marital satisfaction in middle-aged couples. *The Gerontologist*. Vol. 57, No. 3, 417–428. doi:10.1093/geront/gnv138
 - Rafnsson, S. B., Shankar, A. & Steptoe, A. (2015). Informal caregiving transitions, subjective well-being and depressed mood: Findings from the english. longitudinal study of Aging & Mental Health, DOI: 10.1080/13607863.2015.1088510.
 - Schulz, R., & Williamson, G. M. (1991). A 2-year Longitudinal study of depression among alzheimer's caregivers. *Psychology and Aging*, 6, 569–578.
 - Soldo, B. J., & Hill, M. S. (1995). Family structure and transfer measures in the Health and retirement study: Background and overview. *Journal of Human Resources*, 30, S108–S137.
 - Stephens, M. A. P., Townsend, A. L., Martire, L. M., & Druley, J. A. (2001). Balancing parent care with other roles: Interrole conflict of adult daughter Caregivers. *Journal of Gerontology*, Vol. 56B, No. 1, P24–P34.
 - Szinovacz, M. E., & Davey, A. (2007). Changes in adult child caregiver networks. *The Gerontologist*, Vol. 47, No. 3, 280–295.
 - Tao, H. & Mcroy, S. (2015). Caring for and keeping the elderly in their homes. *Chinese Nursing Research*. PP 31- 34.
 - Voydanoff, P., & Donnelly, B. W. (1999). Multiple roles and psychological distress: The intersection of the paid worker, spouse, and parent roles with the role of the adult child. *Journal of Marriage and the Family*, 61, 725-738. doi:10.2307/353573
 - Wakabayashi, C., & Donato, K. M. (2006). Does caregiving increase poverty among women in later life? Evidence from the health and retirement survey. *Journal of Health and Social Behavior*, 47, 258–274.
 - White-Means, S. I., & Hong, G.-S. (2001). Giving incentives of adult children

- who care for disabled parents. *Journal of Consumer Affairs*, 35, 364–398.
- Wolf, D. A., Freedman, V., & Soldo, B. J. (1997). The division of family labor: Care for elderly parents. *Journal of Gerontology: Social Sciences*, 52B, S102–S109.
 - Wolff, J. L. & Kasper, J. D. (2006). Caregivers of Frail Elders: Updating a national profile. *The Gerontologist*. Vol. 46, No. 3, 344–356.